



تجربه‌نگاری -۱

**شبکه‌ روستاهای
دوستاندار کتاب و
جشنواره روستاها و
عشایر دوستاندار کتاب**

این مجموعه در گفت‌وگو با مدیران، کارشناسان و دست‌اندرکاران این تجربه تدوین شده است.
- انتشار آن به صورت کاغذی در شمارگان بسیار محدود است.
- می‌توانید فایل این گزارش و دیگر گزارش‌های مجموعه تجربه‌نگاری را در پایگاه اینترنتی www.ricac.ac.ir
و Farhang.gov.ir دریافت کنید.
پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
تجربه‌نگاری-۱
عنوان: شبکه روستاهای دوستدار کتاب و جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب
نویسنده: الناز محمدی
ویراستار: مهناز احدی
شمارگان: چاپ محدود

فهرست مطالب

۱.....	پیشگفتار.....
۳.....	مقدمه.....
۵.....	شروع جشنواره؛ ایده‌پردازی یک نویسنده.....
۱۱.....	روستای رمین؛ برگزیده برگزیده‌ها در اولین دوره جشنواره.....
۱۷.....	روستای ابویسان؛ برگزیده‌ای که نمونه ماند.....
۲۱.....	سال دوم؛ برگزیده‌ای از یزد.....
۲۴.....	روستای فیشور؛ یکی از برگزیدگان سال ۹۶.....
۲۶.....	ششمین و هفتمین دوره؛ استقبال گسترده.....
۲۹.....	شبکه روستاهای دوستدار کتاب.....
۳۰.....	جمع‌بندی؛ نوزادی که به نوجوانی رسید.....
۳۴.....	منابع.....

پیشگفتار

یکی از معایب ساختار اداری در ایران عدم انتقال مکتوب تجربه به نسل های بعدی است. تجربه اغلب از راه شفاهی و در چارچوب دانش فردی منتقل می شود و هیچ انباشت تجربه ای شکل نمی گیرد و تجربه افراد و سازمان به دانش تبدیل نمی شود.

ما اکنون از بسیاری از پروژه ها و کارهای مهمی که در طول سالیان و دهه ها در ایران انجام شده اند روایتی همه جانبه و دقیق نداریم که در آن موانع، مسائل، ارزیابی ها و چگونگی تبدیل ایده اولیه به رویداد یا فضا یا اثر توضیح داده شده باشد. اغلب از طریق محتوایی که برای تبلیغات یا روابط عمومی تولید شده اند می توانیم به برخی و تنها به برخی از جوانب این کارها یا رویدادها پی ببریم، اما در این گزارش ها بنا به ویژگی ها نه از جزئیات خبری می توان یافت، نه از روایت و نه احتمالاً از معایب و موانع و سختی ها. با چنین نگاهی درباره پروژه های خاصی که در دوره اخیر در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - دولت دوازدهم - پیگیری شدند، روایت هایی مستند به صورت مکتوب تهیه شده اند تا در آنها از ایده تا شکل گیری و اجرا مورد توجه واقع شوند. این روایت ها در چارچوب ویژگی های زیر تهیه خواهند شد. هدف از این تجربه نگاری ها گزارش عملکرد نیست. به همین دلیل از کاستی ها هم سخن گفته ایم تا آیندگان با خواندن آن نگاهی کارشناسانه تر پیدا کنند و درباره استمرار یا اصلاح یا توقف آن تصمیم بگیرند. در این گزارش ها فعالیت های قابل اعتنایی که در دوره جدید بنیان گذاری و اجرا شدند و به موفقیت رسیدند یا به دلایلی به موفقیت نرسیدند برای تجربه نگاری انتخاب شدند تا اقدامی باشد برای تبدیل دانش ضمنی به دانش آشکار که به مدیران بعدی منتقل شود یا به کار برنامه ریزان، پژوهشگران و کارشناسان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بیاید.

هدف ما در تدوین این گزارش ها عبارت بود از: انتقال تجربه های مدیریت فرهنگی؛

- کمک به شکل گیری دانش بومی در مدیریت فرهنگی؛
 - کمک به شناخت میدان مدیریت فرهنگی در ایران؛
 - کمک به شناخت ظرفیت ها و موانع کارهای ابتکاری در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ و
 - کمک به تقویت برنامه های خلاقانه فرهنگی.
- امیدواریم این کار در حد خود تأثیرگذار باشد و به پیشرفت کشور اسلامی و عزیزمان کمک کند.

محمد سلگی

رئیس پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

همایون امیرزاده

رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

مقدمه

سال ۱۳۹۳، وقتی مسئولان دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به این فکر افتادند که برای کتاب‌خوان‌تر کردن مردم ۳۰ هزار روستا در ایران طرح و جشنواره‌ای را راه بیندازند، فکرش را هم نمی‌کردند تعداد زیادی از مردم روستاها از آن استقبال کنند؛ استقبالی تاریخی.

حالا هفت سال از آن زمان گذشته و هفت سال بی‌پای، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب ایران را برگزار کرده است؛ هر سال با استقبال بیشتر روستاییان و فعالان ترویج کتاب‌خوانی. این امر از آمار رسمی تعداد روستاهایی که در این جشنواره شرکت کردند پیداست؛ تعدادی که در سال ۱۳۹۳، یعنی نخستین سال برگزاری جشنواره، روی رقم ۶۲۰ روستا ایستاد و بعد از هفت سال و در سال ۱۳۹۹ به تعداد دوهزاروپنجاه روستا و روی هم‌رفته، در هفت دوره به نه‌هزار روستا رسید. جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب چرا راه‌اندازی شد و هدفش چه بود؟ این جشنواره در طول مسیر دچار چه مسائلی شد و آیا توانست به ترویج کتاب‌خوانی در ایران کمک کند؟ جشنواره‌ای ملی و سراسری که برای نخستین بار، روستایی‌ها را از گوشه و کنار ایران پای کار کشانده است، نقاط ضعف و قوتش کدام‌اند؟ این‌ها سؤالاتی هستند که با بررسی هفت دوره این جشنواره و گفت‌وگو با مسئولان، ایده‌پردازان و شرکت‌کنندگان آن، به پاسخشان می‌رسیم.

جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب در سال ۱۳۹۳ برای گسترش عدالت فرهنگی و به‌منظور توسعه و ترویج کتاب‌خوانی در سراسر کشور و کمک به روستاها و مناطق عشایری، برنامه‌ریزی و پایه‌گذاری شد. از دیگر اهداف این جشنواره که با مشارکت مردم و دستگاه‌های فعال در روستا انجام شده یا اجرای آن برای سال آینده پیش‌بینی شده، عبارت‌اند از، توسعه زیرساخت‌ها مانند کتابخانه‌ها، کتاب‌فروشی‌ها و...؛ فعالیت‌های ترویج کتاب‌خوانی در روستاها و مناطق عشایری؛ افزایش همکاری و مشارکت نهادهای مردمی و مدنی و غیردولتی؛ جذب امکانات و سرمایه‌های عمومی و خصوصی برای ترویج کتاب‌خوانی در روستاها؛ تمرکززدایی؛ توجه به برنامه‌های محلی برای ترویج کتاب‌خوانی در روستاها؛ و حمایت از ایده‌های نو و ابتکاری در حوزه کتاب و کتاب‌خوانی. تلاش برای تأمین بودجه‌های لازم برای گسترش فعالیت‌های مربوط به کتاب و کتاب‌خوانی در روستاها و توجه دادن مردم و نهادهای روستایی به اهمیت کتاب و فرهنگی‌تر شدن فضای روستاها و البته پرکردن اوقات فراغت کودکان و نوجوانان روستایی با کتاب، از دیگر اهداف این جشنواره بود. برای رسیدن به این اهداف بود که از

همان سال اول با حضور تعدادی از دستگاه‌های دولتی و غیردولتی در هر استان، دبیرخانه‌ای تشکیل شد تا هدایت‌کننده جشنواره در استان باشد و بنابراین هر روستا بر اساس فراخوان جشنواره، مدارک و مستنداتش را که مبنی بر فعالیت‌های مرتبط با کتاب و کتاب‌خوانی آن روستا بود، با امضای دهیار و رئیس شورای اسلامی روستا، همراه با فرم‌های تکمیل شده به دبیرخانه استانی جشنواره مستقر در ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها یا دبیرخانه مرکزی در تهران ارسال می‌کرد. دهیاران، شورای اسلامی روستا، بخشداران، کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، کتابخانه‌های عمومی وابسته به نهاد کتابخانه‌های عمومی، مدارس و سایر نهادهای فرهنگی و تشکل‌های مردمی، نقش مهمی در معرفی روستاهای دوستدار کتاب داشتند. این روند تا دوره هفتم این جشنواره که در سال ۱۳۹۹ برگزار شد و برگزیدگانش اوایل سال ۱۴۰۰ معرفی شدند، ادامه پیدا کرد.

در نخستین دوره برگزاری این جشنواره ۶۲۰ روستا شرکت کردند و این تعداد در سال دوم به ۸۰۰ روستا افزایش پیدا کرد. در همه دوره‌های این جشنواره، پس از چند مرحله داوری و ارزیابی مجموعه فعالیت‌ها و برنامه‌های این روستاها، ۲۰ روستا به عنوان نامزد و در مرحله نهایی داوری، ۱۰ روستا به عنوان روستای دوستدار کتاب ایران و ۱۰ روستا به عنوان روستاهای شایسته تقدیر معرفی شدند و البته هر سال یک روستا به عنوان جایزه استمرار انتخاب می‌شد.

در نخستین دوره جشنواره روستا و عشایر در سال ۱۳۹۳ پس از اعلام فراخوان آن ۶۲۰ روستا از ۲۴ استان در این برنامه شرکت کردند. در سال دوم در ۸۰۰ روستا از ۲۷ استان، در ۱۳۹۵ و در دوره سوم ۹۵۲ روستا از ۳۰ استان کشور، در دوره چهارم در ۱۳۹۶ خورشیدی، ۱۳۰۰ روستا از همه استان‌های کشور، در سال پنجم ۱۴۰۶ روستا از همه استان‌های کشور و در سال ششم هم شرکت ۱۴۱۹ روستا در این برنامه از سراسر ایران ثبت شد. هر سال به روستاهای برگزیده این جشنواره حدود ۵۰ میلیون تومان به عنوان جایزه اهدا و امکانات دریافت تسهیلات کم بهره برای طرح‌های فرهنگی و خوداشتغالی در روستاها هدیه شده است.

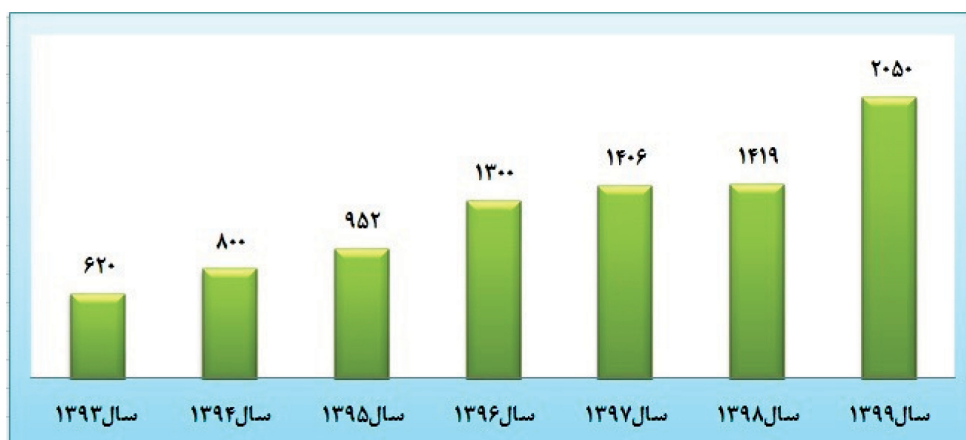
برای شرکت در این جشنواره، روستاها باید با معرفی ویژگی‌های خاص فرهنگی و اجتماعی روستا، مجموعه فعالیت‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های اجرایی‌شان را برای تقویت زیرساخت‌های کتاب‌خوانی و ترویج عمومی کتاب در روستا معرفی می‌کردند. داوری جشنواره هم بر اساس شاخص‌های از پیش تعیین شده و مشخصی انجام می‌شد؛ شاخص‌هایی مثل:

فعالیت هر روستا تا چه میزان بر اساس نیازهای محلی، آیین‌های بومی و ارزش‌های دینی و ملی تعریف شده باشد؛ این فعالیت‌ها از مشارکت مردمی و جلب پشتیبانی دستگاه‌های اجرایی برای تأمین هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری برخوردار باشد؛ فعالیت‌ها همه اهالی روستا را شامل شود که البته طراحی یا اجرای برنامه برای زنان، کودکان و نوجوانان از شاخص‌های تأثیرگذار است؛ برنامه و شیوه اجرای آن از خلاقیت و نوآوری برخوردار باشد؛ گستره اجرای برنامه می‌تواند در سطح روستا یا فراتر از روستا باشد؛ برنامه مذکور قابلیت الگوبرداری و استمرار و مداومت داشته باشد؛ فضاها و بناهای تأسیس شده حوزه کتاب روستا باید فعال باشد؛ برنامه‌های پیش‌بینی شده برای آینده، قابلیت و ضمانت اجرا

شبکه روستاهای دوستدار کتاب و جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب | ۵

داشته باشد؛ بیشترین تأثیر با کمترین هزینه حاصل آمده باشد و برنامه‌ها مبتنی بر منابع، امکانات و ظرفیت‌های محلی باشد و داشتن کتابخانه و تعداد اعضا، فعالیت‌های جنبی کتابخانه، گروه سنی و جنسیت اعضا؛ فعالیت‌های فرهنگی روستا، مانند جشنواره‌ها و مسابقات کتاب‌خوانی و مشارکت مردم در این برنامه‌ها از دیگر شاخص‌های مورد توجه بودند.

در این نمودار، تعداد روستاهای شرکت‌کننده در هفت دوره جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب را می‌بینید:



دوره	سال	روستاهای شرکت‌کننده	استان‌های شرکت‌کننده
اول	۱۳۹۳	۶۲۰ روستا	۲۴ استان
دوم	۱۳۹۴	۸۰۰ روستا	۲۷ استان
سوم	۱۳۹۵	۹۵۲ روستا	۳۰ استان
چهارم	۱۳۹۶	۳۰۰ روستا	تمامی استان‌ها
پنجم	۱۳۹۷	۱۴۰۶ روستا	تمامی استان‌ها
ششم	۱۳۹۸	۱۴۱۹ روستا	تمامی استان‌ها

شروع جشنواره؛ ایده‌پردازی یک نویسنده

از زمان استقرار دولت یازدهم دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی معاونت امور فرهنگی، با توجه به جلسات با اهالی نشر و متخصصان مربوطه، مسئله کتاب‌خوانی را به‌عنوان یکی از اولویت‌های خود قرار داد و چندین برنامه در این حوزه طراحی و برنامه‌ریزی کرد. برای شروع، یادآوری دو ایده کافی بود: پایتخت کتاب ایران و جشنواره‌ای برای ترویج کتاب‌خوانی در روستاها. حالا در گفت‌وگویی مفصل برای این گزارش، با یکی از ایده‌پردازان و برگزارکنندگان این جشنواره گفت‌وگو کردیم.

« طرح پایتخت کتاب ایران الگویی خارجی داشت، اما اینجا فقط از عنوان و اسم آن استفاده شده بود و خیلی به آن شباهتی نداشت. هم‌زمان فکر کردیم که برای روستاها چه می‌شود کرد. من با اینکه خودم متولد روستا هستم و هیچ‌وقت ارتباطم را با روستا قطع نکرده‌ام، ولی باز هم کلیشه‌ای نسبت به روستا و شهر داشتم و فکر می‌کردم اوضاع روستاها در حوزه کتاب خوانی خوب نیست و باید کاری کرد». پس از آن بود که ایده جشنواره روستاهای دوستدار کتاب که از سال بعد عشایر هم به آن اضافه شدند، قوام گرفت. اما دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی همیشه نیم‌نگاهی هم به طرح‌ها و برنامه‌هایی داشتند که در دو دولت قبلی در حوزه کتاب انجام شده بود، اما نه آن‌طور که مورد قبول باشد: «قبلاً کارهایی در این حوزه انجام شده بود، اما بخش زیادی از آن اثرگذار نبود؛ حتی اگر انگیزه خیرپشت آن بود. در نهایت ما فکر کردیم چه کنیم که اولاً پول زیادی لازم نداشته باشد، چون در هیچ‌جای بودجه چینی چیزی بیش‌بینی نشده بود و ثانیاً همین کم‌خرج بودنش به ویژگی آن تبدیل شود و به خود مردم متکی شود؛ یعنی دولتی نباشد».

طرح‌های ترویج کتاب خوانی در روستاهای ایران زمانی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد شروع شد که تعداد زیادی از روستاها وضع اقتصادی خوبی نداشتند؛ خیلی از روستاها دچار بحران خشک‌سالی و تبعات اقتصادی بودند و حتی تعدادی از روستاها به دلیل بیکاری و وضع بد اقتصادی مردمش، یکی یکی از سکنه خالی شدند و به سمت شهرها رفتند. همین هم شد که تعداد کودکان و نوجوانان در تعدادی از روستاها کم شد و علاوه بر این، تعداد زیادی از دانش‌آموزان به دلیل وجود نداشتن دبیرستان در روستاهایشان، مجبور شدند به مدارس شبانه‌روزی در شهرها بروند. همه این‌ها موجب شد مفهوم روستانشینی در ایران کم‌کم تغییر کند؛ اما چه شد که بر ترویج کتاب خوانی در روستاها تأکید داشتند؟ «با اینکه تجربه روستانشینی و تجربه کتابخانه‌داری و کتاب خوانی در روستا را داشتیم، اما مثل خیلی‌ها کلیشه‌ای در این باره در ذهنمان بود؛ فکر می‌کردیم که احتمالاً از این طرح‌ها در روستاها استقبال نخواهد شد، اما از آن طرف هم با تعدادی از داوطلبان روستایی در ارتباط بودیم و می‌دانستیم که کارهایی در این حوزه می‌کنند؛ به همین دلیل هم از همان اول روی داوطلبانه بودن کار تأکید کردیم و فکر کردیم که این کار صرفاً کتاب خوانی نیست و در طراحی آن فکر می‌کردم که این نهادی اجتماعی است که حول کتاب خوانی شکل می‌گیرد. کماکان این‌گونه فکر می‌کنم که کتاب خوانی پدیده‌ای است که فقط در حوزه فرهنگ معنی نمی‌شود و شما در هر حوزه‌ای که بخواهید پیشرفت کنید، یک پای آن در نهایت به کتاب می‌رسد؛ مثلاً اگر بخواهید در حوزه کشاورزی کار کنید، یکی از راه‌های انتقال دانش در کشاورزی کتاب است؛ اگر بخواهید در حوزه مطالعات مذهبی هم کار کنید، باز یکی از پایه‌های آن کتاب است، یعنی تمام میراث بشر تاکنون به‌رغم اینکه رسانه‌های جدید آمده‌اند، آنچه که میراث بشر از گذشته تاکنون حاملش بوده «کتاب» است که حالا شکل الکترونیکی و غیرالکترونیکی دارد. بنابراین به دلیل همین تجربه‌های کتابداری و مقداری تجربه کتاب خوانی در روستا بود که فکر کردیم این طرح‌ها در روستاها جواب خواهد داد».

و اما چرا مسابقه و چرا جشنواره؟ ایده‌پردازان جشنواره روستاهای دوستدار کتاب از همان اول فکر می‌کردند که برای تشویق داوطلبان روستایی به ترویج کتاب خوانی، باید جشنواره‌ای طراحی شود که

صرفاً تحریک‌کننده باشد، اما اتفاقاتی پشت این مسابقه بیفتند که همان تبدیل به اصل شود: «این موضوع مهم بود که این مسابقه تحریک‌کننده تبدیل به موضوعی از بالا به پایین، دولتی و متکی به پول نشود. از طرف دیگر نباید این طور به نظر می‌رسید که سرمایه کلانی برای طرح‌های توسعه محور روستایی در نظر گرفته شود، چرا که در ایران توسعه روستایی به شکل تبدیل روستاها به شهر تعریف شده و این درست نیست. ما وقتی بچه و در روستا بودیم، وقتی که فکر می‌کردیم چگونه روستایمان توسعه پیدا می‌کند، می‌گفتیم اگر ناوایی داشته باشد، آسفالت شود و مدرسه آن شیفی شود، خیلی پیشرفت می‌کنیم؛ ولی حالا مطالعات روستایی نشان می‌دهد که این طرز فکر، سبک زندگی روستایی را از ریشه می‌کند. بنابراین در ایده اولیه فکر کردیم که طرح طوری باشد که روستایی‌ها برای کتاب خوانی در روستای خودشان مشارکت کنند، یعنی هر روستا برنامه‌ای ارائه کند و این مسابقه بین برنامه‌ها باشد». در ساخت و پرداخت ایده ترویج کتاب خوانی در روستاها و مناطق عشایری به تجربه‌های مختلف مراجعه می‌شد؛ منابع ایرانی و خارجی. «در این منابع از همکاری سه ضلع بخش خصوصی، عمومی و دولتی صحبت شده است. بر اساس این اطلاعات، طرحی اولیه طراحی کردیم. یاد می‌آید وقتی این ایده و طرح را بین همکاران مطرح کردیم، آن‌ها گفتند روستاها نمی‌توانند در این جشنواره و مسابقه شرکت کنند، چرا که روستاها اصلاً نمی‌توانند این فرم‌ها را پر و برنامه‌ریزی کنند. ما اول کار پرسش‌نامه‌ای را تهیه کرده بودیم و مثلاً پرسیده بودیم وقتی می‌خواهید برنامه ترویج کتاب خوانی سال آینده‌تان را بنویسید، چشم‌اندازتان چیست؟ می‌خواهید به کجا برسید؟ اهدافتان چیست و ذیل این اهداف چه پروژه‌هایی تعریف می‌کنید و... همکاران می‌گفتند این خیلی پیچیده است و کسی سر در نمی‌آورد؛ یا می‌گفتند مثلاً در خیلی از وزارتخانه‌ها بگویید که یک برنامه برای کاری بنویسید، چشم‌انداز را با برنامه قاتی می‌کنند و... اما در نهایت گفتیم اشکال ندارد، این فرم را ساده‌تر می‌کنیم. پس می‌بینید که برای شروع، اول باید در وزارتخانه این دوستان را راضی می‌کردیم، یعنی اول باید از اداره خودمان شروع می‌کردیم، باید توافقی عمومی را به دست می‌آوردیم. در ادامه نزد آقای صالحی که حالا وزیر فرهنگ و ارشاد آن زمان معاون فرهنگی وزارتخانه بود، رفتیم و گفتیم چنین برنامه‌ای هست و ایشان هم گفتند که من با اصل آن موافقم، جلسه‌ای بگذاریم و درباره‌اش صحبت کنیم. گفتیم این از آن کارهایی است که باید چند نهاد درگیر آن شوند، از جمله نهادهای غیردولتی و این طور نیست که فقط وزارت ارشاد درگیر آن باشد».

شروع این کار در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مخالفانی هم داشت که معتقد بودند هیچ روستایی در نخستین دوره جشنواره شرکت نمی‌کند و آبروی وزارتخانه خواهد رفت، اما برگزارکنندگان نظر دیگری داشتند: «گفتیم ما تقریباً مطمئن هستیم که ۲۰ یا ۳۰ روستا شرکت می‌کنند. البته تعداد را خیلی کم گفتیم و در ذهنمان بالاتر از این عدد بود. در ذهنمان بود که ۱۰۰ یا ۲۰۰ روستا شرکت می‌کنند، اما گفتیم ۲۰ یا ۳۰ تا حتماً شرکت می‌کنند. هیچ مطالعه آماری‌ای در این زمینه نداشتیم و فقط احساسمان را گفتیم. می‌دانستیم که اگر دیگر وزارتخانه‌ها درگیر موضوع شوند، مشارکت بالا خواهد رفت. از طرف دیگر، در سفر به استان‌ها و شهرستان‌ها اگر جلسه‌ای برگزار می‌شد، می‌گفتیم حتماً بگویید بخشداران هم بیایند؛ آنها

می‌گفتند بخشداری چه ربطی به فرهنگ دارد و بخشدار هیچ وقت در جلسه‌های ما شرکت نکرده است، اما بعد که می‌آمدند، خیلی هم خوشحال می‌شدند و آنجا تک‌تک درباره ترویج کتاب‌خوانی در روستا با آن‌ها صحبت می‌کردیم. خلاصه نشان به آن نشان که در دوره اول ۶۰۰ روستا شرکت کردند. ما در آن جلسه گفتیم ۲۰ تا ۳۰ روستا را تضمین می‌دهیم که شرکت کنند و در تصور خودمان هم این بود که با ۲۰ روستا تماس می‌گیریم و یکی یکی آن‌ها را راضی می‌کنیم و دیگر از این بدتر که نمی‌شود. برای اینکه می‌گفتیم این کار ترویجی است و با جشنواره فیلم فجر فرق می‌کند که اگر شرکت نکردند، شما احساس شکست کنید؛ اگر ۲۰ روستا هم شرکت کنند، این ۲۰ تا سال دیگر ۴۰ تا می‌شود».

وقتی همه چیز آماده شد، نوبت به بودجه رسید. از اول قرار بود که کار با بودجه کم شروع شود و همین طور هم شد و بعد با همکاری افرادی در وزارت کشور، معاونت مناطق محروم و روستایی ریاست جمهوری، کمیسیون ملی یونسکو، نهاد کتابخانه‌های عمومی و نهادهای غیردولتی، مثل انجمن اطلاع‌رسانی و کتابداری ایران و اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان شورای سیاست‌گذاری جشنواره تشکیل شد. ایده ما این بود که حتی اگر جایی کتابخانه نداشته باشد، ولی برنامه کتاب‌خوانی داشته باشد، می‌تواند در این جشنواره شرکت کند؛ اما برخی نهادها داشتن کتابخانه را ضروری می‌دانستند، اما در نهایت راهی میانه انتخاب شد.

اما ترس از استقبال نکردن روستاها از این طرح، همچنان با برگزارکنندگان بود. آن‌ها برای جذب روستاییان به این برنامه راه‌های مختلفی را رفتند و یکی‌اش ارتباط گرفتن با روستاها در فضای مجازی بود. با اینکه آن سال‌ها هنوز شبکه‌های اجتماعی این قدر رونق نداشت، اما متوجه شدند که بسیاری از روستاها در شبکه‌های اجتماعی صفحه دارند و برخی از روستاها وبلاگ و سایت دارند و شروع کردند به ارتباط گرفتن با روستاها و روستاییان در فضای مجازی و فرستادن فرم فراخوان جشنواره برای آنان. «وقتی شروع به انجام این کار کردیم، اولین واکنش این بود که یک هفته بعد آقایی نوشت که من در شهر زندگی می‌کنم، ولی یک خانه پدری در روستا دارم و امروز که این فراخوان را دیدم به نظرم رسید که آن خانه پدری را در آن روستا تبدیل به کتابخانه کنم؛ با شورای اسلامی آنجا هم صحبت کرده‌ام و آن‌ها هم اعلام آمادگی کرده‌اند. این برای برگزارکنندگان مثل نور امید بود. کم‌کم تلفن‌ها شروع شد؛ زنگ می‌زدند که بپرسند چگونه باید شرکت کنند. از طرف دیگر همکاران جشنواره در وزارت کشور و نهاد کتابخانه‌های عمومی، نامه‌های اداری خودشان را می‌نوشتند؛ مثلاً وزارت کشور به استانداران نامه می‌نوشت، استانداران به فرمانداران و فرمانداران به بخشداران نامه می‌نوشتند که روستاها را برای شرکت در این کار تشویق کنید. بعد کم‌کم پرونده‌های روستا یکی یکی آمدند و نتیجه خیلی بهتر از تصور آنان بود. آنان در داوری آثار با نتایج شگفتی روبه‌رو شدند. «نتایج از نظر تعداد روستاهایی که شرکت کرده بودند و کیفیت کارها شگفت‌انگیز بود. آنجا متوجه شدیم که زمانی که در روستاها حرف از کتاب‌خوانی می‌زنیم، مسائل مختلفی در آن دخیل می‌شوند؛ مباحث محیط‌زیستی، ورزشی و... مثلاً در بعضی از روستاهای کردستان دیدیم که کارهای محیط‌زیستی را از طریق کتابخانه انجام می‌دهند،

روستاهای برگزیده

روستا	شهر	استان
رحیم آباد	کرمان	کرمان
ضامن جان	اراک	مرکزی
دهکوهان	کهنوج	کرمان جنوب
ابراهیم آباد	اشکذر	یزد
ینکیجه	مریوان	کردستان
گوگ تپه	مهاباد	آذربایجان غربی
ابویسان	جغتای	خراسان رضوی
رمین	چابهار	سیستان
پوده	دهقان	اصفهان
خرماکلا	قائم شهر	مازندران

فرم ارزیابی طرح‌ها و برنامه‌های رسیده برای «روستاها و عشایر دوستدار کتاب»

استان: شهرستان: بخش: روستا:

الف- زیرساخت‌های عمومی و فرهنگی

۱- وضعیت فضاهای فرهنگی موجود در روستاها
 ۱- ضعیف ۲- متوسط ۳- خوب ۴- عالی

۲- وضعیت کتابخانه (تجهیزات و تعداد اعضا)
 ۱- ضعیف ۲- متوسط ۳- خوب ۴- عالی

۳- وضعیت نیروهای فرهنگی فعال در روستا (شماره، نوسنده و غیره)
 ۱- ضعیف ۲- متوسط ۳- خوب ۴- عالی

ب: فعالیت‌های اجرا شده

۴- کیفیت
 ۱- ضعیف ۲- متوسط ۳- خوب ۴- عالی

۵- ضرورت اجرا
 ۱- ضعیف ۲- متوسط ۳- خوب ۴- عالی

۶- خلاقیت و نوآوری
 ۱- ضعیف ۲- متوسط ۳- خوب ۴- عالی

۷- استفاده از ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های بومی
 ۱- ضعیف ۲- متوسط ۳- خوب ۴- عالی

۸- استقبال مردمی
 ۱- ضعیف ۲- متوسط ۳- خوب ۴- عالی

۹- مشارکت نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی
 ۱- ضعیف ۲- متوسط ۳- خوب ۴- عالی

۱۰- مستندات و مدارک کافی
 ۱- ضعیف ۲- متوسط ۳- خوب ۴- عالی

ج: برنامه‌های آینده:

۱۱- قابلیت و ضمانت اجرا (تأمینات، مموی، منطقی بودن برنامه، ...)
 ۱- ضعیف ۲- متوسط ۳- خوب ۴- عالی

۱۲- توجه به ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های بومی
 ۱- ضعیف ۲- متوسط ۳- خوب ۴- عالی

۱۳- خلاقیت و نوآوری
 ۱- ضعیف ۲- متوسط ۳- خوب ۴- عالی

۱۴- جذب مشارکت نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی
 ۱- ضعیف ۲- متوسط ۳- خوب ۴- عالی

د: شاخص‌های عمومی

۱۵- منطقه جغرافیایی
 ۱- منطقه یک ۲- منطقه دو ۳- منطقه سه ۴- منطقه چهار

۱۶- مشارکت در طرح‌های سال گذشته
 ۱- ندارد ۲- یک دوره ۳- دو دوره ۴- منطقه چهار

نام و نام خانوادگی داوود: _____ امضا: _____ جمع امتیاز: _____

نمونه‌ای از فرم ارزیابی طرح‌ها در جشنواره روستاهای دوستدار کتاب

برگزارکنندگان روز اختتامیه نخستین جشنواره روستاهای دوستدار کتاب را که در کتابخانه ملی برگزار شد، هیچ‌گاه فراموش نخواهند کرد؛ نهال نوپای آن‌ها در ناباوری، حالا به بار نشسته بود.

جشنواره روستاهای دوستدار کتاب از نظر برگزارکنندگان، نقاط ضعف و قوت زیادی داشت. اگر بخواهیم به نقدهای آن بپردازیم به نظر می‌رسد به موارد زیر می‌توان تأکید کرد:

الف. انجام ندادن تحقیق روی پرونده‌های کتاب‌خوانی روستایی،

روی این همه پرونده‌ای که از دل روستاها به دست برگزارکنندگان رسید، کار محتوایی و مطالعاتی انجام نشد. هنوز هم همه این اطلاعات را می‌توان از پرونده‌ها درآورد و تحلیل محتوا کرد؛

ب. دیجیتال نشدن اطلاعات رسیده از روستاها،

موضوع دیگر دیجیتال کردن این اطلاعات است؛ سالی که این جشنواره شروع به کار کرد، امکان دسترسی روستایی‌ها به اینترنت و آپلود کردن خیلی کم بود؛ ولی الان که این امکان بهتر شده، به‌ویژه اینکه کرونا هم تأثیر گذاشته است و زیرساخت‌ها هم بهتر شده است. قبل از کرونا مجبور به این کار نبودیم، اما الان مجبور شده‌ایم و این مجبور شدن مهم است؛

پ. فقدان نگاه مشارکت جویانه در ارتباط با روستاییان در نظام اداری،

یکی از ضعف‌ها ضعف خیلی بزرگی است؛ نظام اداری ایران. نظام اداری لزوماً فقط مدیران نیستند، بلکه کل بدنه اداری است. نگاه نظام اداری مشارکت جویانه نیست.

روستای رمین؛ برگزیده برگزیده‌ها در اولین دوره جشنواره

اهالی روستای رمین، عبدالحکیم بهار را خوب می‌شناسند. اهالی روستایی بزرگ و آرام در شهرستان چابهار در استان سیستان و بلوچستان. بندر مهمی که بیشتر مردمش صیادند و چند سالی است به منطقه‌ای گردشگری هم تبدیل شده؛ سواحل مکران، کوه‌های مینیاتوری، صخره‌های زیبا و ماسه‌های طلایی، از جاذبه‌های گردشگری این روستاست. رمین از غرب به چابهار و از جنوب به دریای عمان محدود می‌شود و عبدالحکیم بهار یکی از اهالی این روستاست. مرد کتاب‌خوانی که در سال‌های گذشته برای بچه‌ها قصه خوانده و صیادها را تشویق کرده که حتی روی قایق برای هم کتاب بخوانند. عبدالحکیم فوق دیپلم روابط عمومی دارد. ۱۷ سال صیاد بوده، اما چند سالی است که به اداره بهداشت رفته و به‌عنوان به‌رورز کار می‌کند. خانواده و اهالی روستای رمین، عبدالحکیم ۴۴ ساله را به کتاب و کتاب‌خوانی می‌شناسند؛ کتاب‌خوان حرفه‌ای به تمام معنا که از بچگی هرچه پول توجیبی می‌گرفت، کتاب می‌خرید و در نوجوانی در جشنواره‌های ادبی مجله «کودک مسلمان بلوچ» در سیستان و بلوچستان شرکت می‌کرد. بهار قبلاً در مصاحبه‌ای درباره شرکت در نشست‌های این مجله، توضیح کاملی داده؛ اشاره او به مجله‌ای است که از سوی سپاه پاسداران بنیان گذاشته شده بود. نخستین جشنواره شعر و قصه این مجله سال ۱۳۶۷ با حضور چهره‌هایی مانند مصطفی رحماندوست، افشین علاء، جعفر ابراهیمی، بیوک ملکی، افسانه شعبان‌نژاد و الهه کسمایی در زاهدان برگزار شد و

شاعران و نویسندگان آثارشان را برای بچه‌ها خواندند. چنین فضایی بر عبدالحکیم هم مؤثر افتاد، تا جایی که او دست به قلم شد: «برای تعدادی از مجلات مطلب می‌نوشتیم و می‌فرستادم. برای مجله کیهان بچه‌ها و سروش نوجوان خیلی مطلب نوشتیم».

آقای بهار فردی عاشق کتاب است و در همه سال‌هایی که با کتاب گذرانده، همیشه به این فکر بوده که چطور می‌شود اهالی روستای رمین را بیشتر با کتاب و کتاب‌خوانی آشنا کرد. برای همین هم بود که وقتی سال ۱۳۹۳ شنید جشنواره‌ای برای ترویج کتاب‌خوانی در روستاها شروع به کار کرده، در آن شرکت کرد و چون در روستا کاری کرده بود کارستان، رمین به عنوان روستای برگزیده برگزیده‌ها انتخاب شد. بهار درباره چگونگی شرکتش در جشنواره می‌گوید: «ما از قبل کتابخانه‌ای را در روستا تأسیس کرده بودیم و کتاب‌هایی را در اختیار کودکان، نوجوانان و بقیه مردم قرار داده بودیم. این کتابخانه به صورت غیررسمی تأسیس شده بود تا اینکه در دی ۹۳ شنیدم وزارت ارشاد می‌خواهد برنامه‌ای تحت عنوان «روستاهای دوستدار کتاب» برگزار کند. از همان زمان این طرح به نظرم طرح خوبی آمد، چون برگزارکنندگان را می‌شناختم و با توجه به شناختی که از روستاها و افراد داشتند، این جشنواره را راه انداختند و در ادامه خواستند که روستاها شناسایی شوند و فرمی را آماده کردند که روستاها در این طرح شرکت کنند. آن سال حدود ۶۰۰ روستا در این طرح شرکت کردند و در آغاز اسفند ۹۳ حدود ۲۰ روستا انتخاب شدند که از میان آن‌ها ۱۰ روستا به عنوان روستای برتر برگزیده شدند. اختتامیه دور اول جشنواره با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد وقت انجام و فتح بابی برای شرکت دیگر روستاها در نقاط مختلف ایران شد تا آن‌ها هم به شرکت در این جشنواره تشویق شوند».

قصه اصلی کتابخانه روستای رمین از سال ۸۴ شروع شد؛ زمانی که عبدالحکیم بهار به کتابخانه شخصی‌اش سرزد و ۴۰۰ جلد کتاب را جدا کرد. کتاب‌هایی که دیگر نیاز نداشت و قصد داشت آن‌ها را به دانش‌آموزان یک مدرسه هدیه دهد: «وقتی که کار انتخاب کتاب‌ها تمام شد، فکر تازه‌ای به ذهنم رسید. پیش خودم گفتم بهتر است تمام کتاب‌ها را در کتابخانه مدرسه بگذاریم که همه بچه‌ها استفاده کنند. بچه‌ها خیلی مشتاقانه از من استقبال کردند، اما مدیر وقت مدرسه خیلی روی خوش نشان نداد. می‌گفت به بچه‌ها آسیب می‌زند و از درس و زندگی باز می‌مانند. عبدالحکیم اما کوتاه نیامد و کتابخانه را در خانه خودش راه انداخت و به بچه‌های روستا کتاب امانت داد. «رفتم قفسه خریدم و آرام آرام اطلاع‌رسانی را شروع کردم. بچه‌ها کم‌کم به سمت کتابخانه جذب شدند. خیلی از بچه‌هایی که در خانه کتاب داشتند هم کتاب‌هایشان را به کتابخانه هدیه کردند. کم‌کم تعداد کتاب‌های کتابخانه به ۶۰۰ جلد رسید. رفته‌رفته که بیشتر کارمان شکل گرفت، انجمن حامی هم کمک کرد. الان بیش از دوهزار جلد کتاب داریم». حالا در روستای ۱۱ هزار نفری رمین ۷۰۰ کودک و نوجوان عضو کتابخانه بهار هستند. اعضای دختر کتابخانه از اعضای پسر بیشترند. آن هم در روستایی که به گفته عبدالحکیم تا چند سال پیش دخترها فقط اجازه داشتند تا دوم راهنمایی درس بخوانند.

استقبال بچه‌های روستای رمین از ایده آقای بهار باعث شد تا او احساس کند که دیگر محیط

خانه‌اش برای کتابخانه مناسب نیست. شورای روستا تشکیل جلسه داد و سرانجام یک کانکس برای ایجاد کتابخانه تهیه شد. چند ماه بعد در اسفندماه ۹۳ بچه‌های روستای رمین ثمره شوق کتاب‌خوانی‌شان را دیدند؛ روستای رمین به همراه ۹ روستای دیگر به‌عنوان روستای دوستدار کتاب انتخاب شد. افتخاری که یک بار دیگر در سال ۹۴ هم تکرار شد تا آقای بهار و بچه‌های کتابخانه بهار رمین دلگرم‌تر از همیشه راهشان را ادامه دهند: «در سال ۹۴ در جمع ۱۰ روستای انتخاب‌شده قرار گرفتیم. در هر دوره، یک روستا از دوره پیشین حضور پیدا می‌کند که نشان‌دهنده استمرار آن است، این سال هم روستای رمین به‌عنوان روستای برگزیده انتخاب شد.»

بهار، هدف جشنواره را به اهداف خودش نزدیک می‌دید و هنوز هم می‌بیند: «هدف طرح کتاب‌خوانی در روستاها این بود که روستاها به‌صورت خودجوش در همه نقاط ایران مشارکت داشته باشند. درکل تلاش براین بود که ایده‌ها به‌صورت شسته‌ورفته آماده، مکتوب و به‌شکل کتاب در اختیار دیگر روستاها قرار بگیرند. در سال ۹۳ که نخستین دوره اجرایی این طرح بود، با توجه به این که شناخت کاملی از جشنواره نداشتیم، تجربه‌های گذشته را از سال ۸۳ که به‌تازگی کار کتاب‌خوانی در روستای رمین اجرایی شده بود، کنار یکدیگر گذاشتیم و وارد جشنواره شدیم. ما در آغاز کار به این فکر بودیم که چرا یک خانه خالی در روستا بلااستفاده بماند، پس بهتر بود که از این ساختمان بهترین استفاده شود و نه تنها کتاب‌خوانی، بلکه دیگر امور فرهنگی در این بنا اتفاق بیفتد. من کار ترویج کتاب‌خوانی را از یک خانه خالی شروع کردم که سریع گسترش پیدا کرد و توانستیم آن محل را برای رفت‌وآمد مردم آماده کنیم. در آنجا، آموزش و پرورش با همکاری مردم توانستند فعالیت‌های آموزشی را برپا کنند. در این حین، متوجه شدیم که به‌آسانی و با تجهیزات کم، می‌توان فرهنگ کتاب‌خوانی را افزایش داد. این طرح رمین در سال نخست جشنواره روستاهای دوستدار کتاب بود.»

طرح‌های کتاب‌خوانی در روستای رمین در سال‌های بعد هم ادامه پیدا کرد: «در سال ۹۴ با توجه به استقبال مردم، دوستان دیگری نزد ما آمدند و گفتند می‌توان در این روستایی که ماهیگیری در آن شغل رایج است، فعالیت‌های متفاوت کتاب‌خوانی انجام داد. ما یک سری کتاب‌های متفاوت را در دسته‌های مختلف آماده کردیم و به کمک شیلات و دیگر شرکت‌های صیادی شرایطی را فراهم کردیم که به اتفاق صیادان در دل دریا شنا کرده، ردوبدل و خوانده شوند، به روستاها رفته و دست‌به‌دست شوند. این امری بود که در سال دوم جشنواره «روستاهای دوستدار کتاب» به آن توجه شده بود که توانست در سال دوم جشنواره هم مقام بیاورد.»

حالا هفت سال از اولین باری که روستای رمین در جشنواره روستاهای دوستدار کتاب شرکت کرد و برگزیده شد می‌گذرد. عبدالحکیم بهار معتقد است برگزیده شدن در این جشنواره، موجب افزایش انگیزه برای ترویج کتاب‌خوانی در اهالی این روستا شده است: «در بخش کودکان کتابخانه ما بالغ بر ۷ هزار جلد کتاب وجود دارد؛ در بخش جامع کتاب‌خوانی کودکان و نوجوانان گروه‌هایی تشکیل شده است؛ البته با توجه به شرایط فعلی نه تنها کتاب‌خوانی، بلکه دیگر بخش‌ها نیز دچار اختلال شده‌اند؛ بنابراین، تلاش کرده و تلاش

می‌کنیم که این امر را کد نماند و بیشتر فعالیت‌مان به صورت مجازی شده است. از طرف دیگر در بخش بزرگ سال، بیش از ۷ هزار جلد کتاب داریم که اگر کار ساختمان به پایان برسد، همه این بخش‌ها در یک جا متمرکز و تجمیع خواهند شد. از طرف دیگر جز کار کتاب‌خوانی، تلاش‌مان بر این بود که روستاهای اطراف را پوشش دهیم. حدود ۲۰ الی ۲۵ کتابخانه در روستاهای اطراف چابهار تأسیس کردیم و منابعش را یا خودمان کمک می‌کردیم یا دوستان فراخوان می‌دادند که کتاب‌ها جمع‌آوری شود». عبدالحکیم بهار وقتی دید مردم رمین پای ثابت کتابخانه‌اند و کار دیگر سروشکل گرفته، تصمیم گرفت که در یکی از روستاهای نزدیک رمین هم کتابخانه راه بیندازد. یکی از اهالی روستای بریس یک مغازه را به رایگان به کتابخانه اختصاص داده است. روستای بریس هم حدود ۷ هزار نفر جمعیت دارد. حالا به گفته عبدالحکیم کتابخانه این روستا هم ۵۰۰ جلد کتاب دارد و رفته‌رفته بچه‌های آنجا هم دارند کتاب‌خوان می‌شوند: «در روستاهای اطراف چابهار شبکه خوبی را راه انداخته و علاقه‌مندان را با کمک دوستان جذب کردیم و در تلاش هستیم که با ورود به روستا و کشف هموعان‌شان، آن‌ها را وارد کار کنند. ما نیز اگر کاری از دستمان بر بیاید، در کنارشان هستیم و سعی می‌کنیم تا با مشارکت مردم، آن‌ها را رغب به کتاب‌خواندن کنیم، چرا که این کار به آینده خود مردم کمک می‌کند. به نظرم این شبکه‌های محلی در حوزه‌های نشر و ترویج کتاب‌خوانی می‌توانند مؤثر باشند و مردم را به سمت کتاب و کتاب‌خوانی ببرند. در کنار بسیاری از محصولات روستاها، کتاب هم می‌تواند محصولی در نظر گرفته شده و به آن بها داده شود. اگر مردم به این نتیجه برسند که کتاب یکی از نیازهایشان است، قطعاً کمک خواهد کرد. پیش از این نیز برنامه‌هایی داشته‌ایم که به دلیل دولتی بودن کار و نقش کم‌رنگ مردم، کمتر دیده شده است، اما آقای سیدآبادی و مجموعه دوستان، کار را به نحوی در روستا پیش بردند که مردم را درگیر کردند تا مشارکت داشته باشند. مردم به دلیل اینکه در این قضیه درگیر بودند، کار را از آن خودشان می‌دانستند و این امر بسیار با دوام شد و سال به سال نیز پررنگ‌تر می‌شود».

ادامه‌دار بودن فعالیت عبدالحکیم بهار در ترویج کتاب‌خوانی در مناطق روستایی موجب شد که او در سال ۱۳۹۹ به عنوان یکی از داوران جشنواره روستاهای دوستدار کتاب انتخاب شود: «سال گذشته، داور این جشنواره بودم و هنگامی که طرح‌ها و برنامه‌های مختلف را می‌دیدیم، هم لذت می‌بردیم و هم برایم جالب بود؛ مثلاً کاری را از استان بوشهر آورده بودند که کاملاً نزدیکی برنامه‌هایش با دیگر روستاها مشخص بود. این کار شبکه‌های محلی بوده است که از طریق شبکه‌های اجتماعی گسترش پیدا کرده است و بسیاری از آیت‌ها برای مردم در مکان‌های مختلف نمایش داده شده است که روز به روز بر تعدادشان افزوده می‌شود. اگر ما بتوانیم شبکه‌های محلی و این جشنواره‌ها را همراه با کیفیت حفظ کنیم، قطعاً ترویج کتاب‌خوانی ماندگار می‌شود. در جلسات مختلف دوستان به این نکته اشاره می‌کردند که معمولاً کار ترویج کتاب‌خوانی مانند بار شیشه‌ای است که در مسیر حرکت کرده و به سمت وسویی می‌رود که ما مراقب آسیب‌ندیدن این بار باشیم تا به سلامت به مقصد برسد. اگر کار ترویج کتاب‌خوانی پایدار بماند، قطعاً در هر روستا چراغ یک کتابخانه روشن خواهد شد و اگر ما کاری کنیم که این چراغ‌ها خاموش نشود، قطعاً کار بزرگی کرده‌ایم».

بهار درباره نقاط ضعف و قوت جشنواره روستاهای دوستدار کتاب هم می‌گوید: «هر کار نوپایی قطعاً

کاستی‌ها و نیازهایی دارد و باید این کاستی‌ها برطرف شوند. دوستانمان در پژوهشکده کودکان و نوجوانان بحث نقاط ضعف و قوت کتاب‌خوانی را موشکافانه بررسی می‌کنند که به قوی‌تر شدن کار ترویج کتاب‌خوانی بسیار کمک خواهد کرد. نقاط قوتش همین است که توانستیم با کمک شبکه‌های مردمی در حوزه کتاب‌خوانی در سراسر کشور کارهای خوبی انجام دهیم که امروز در کشور ما بحث کتاب‌خوانی بسیار ترویج یافته و همه تلاش می‌کنند تا در کتاب‌خوانی همکاری داشته باشند. جای امیدواری وجود دارد که این امر ادامه پیدا کرده، مشکلاتش کمتر شده و سرانته مطالعه بالا برود. در کنار نقاط قوت، نقطه ضعف‌هایی نیز وجود دارد. بالأخره کاستی‌هایی بوده که سبب ولخرجی شده است. ما انتظارمان این بود که هر روستایی که در جشنواره‌ها شرکت می‌کند، مقامی بیاورد، اما طرح‌ها، برنامه‌ها و ایده‌هایی از سراسر کشور به دبیرخانه جشنواره ارسال می‌شود که دوستان در آنجا داوری می‌کنند. من خودم داور بودم و متوجهم که تفکیک کار خوب از کار خوب‌تر به چه صورت است. بهتر بود که ما بتوانیم این را در دل مردم جا بیندازیم و ثابت کنیم که نیازی به برد همیشگی نیست و ترویج کتاب‌خوانی در روستاها، به نوبه خودش جایزه محسوب می‌شود و ارزش دارد. البته دوستان جوایز خوبی را برای این امر در نظر گرفته بودند. همین که روستاها به کتاب‌خوانی رو آوردند، بسیار خوب بود. جوایز نقدی‌ای هم که در نظر گرفته بودند، موجب شد تا به کتابخانه‌ها رسیدگی بیشتری شود و پولش را خرج تجهیز کتابخانه کنند. اما در کل، اگر دوستان بررسی کرده، کیفیت جوایز را بالا ببرند و کتاب‌های خوب و متنوع را بیشتر کنند، اوضاع از الان نیز بهتر خواهد شد. گاهی افرادی کتاب‌هایی را از انبار وزارت ارشاد به روستا می‌آوردند که شاید خیلی مناسب نبودند و مورد استفاده مردم نبودند. اگر به عنوان جایزه بن کتاب می‌دادند که روستای برنده برای کتابخانه‌اش از کتاب‌فروشی‌های مطرح و جشنواره‌ها کتاب تهیه بکند، بهتر بود».

نمونه تصاویری از عبدالحکیم بهار و کتاب‌خوانی اهالی روستای رمین





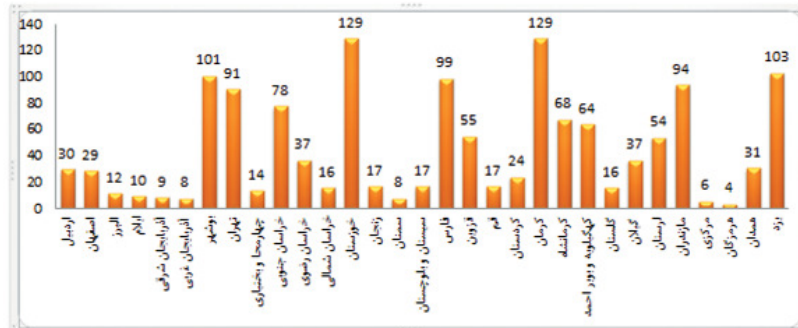


روستای ابویسان؛ برگزیده‌ای که نمونه ماند

در نخستین دوره جشنواره روستاهای دوستدار کتاب ۶۲۰ روستا شرکت کردند که در سال دوم این رقم به ۸۰۰ روستا افزایش پیدا کرد. در دوره اول پس از چند مرحله داوری و ارزیابی مجموعه فعالیت‌ها و برنامه‌های این روستاها، ۲۰ روستا به‌عنوان نامزد و در مرحله نهایی داوری، ۱۰ روستا به‌عنوان روستای دوستدار کتاب ایران معرفی شدند؛ روستای رحیم‌آباد کرمان، روستای ضامن‌جان استان مرکزی، روستای دهکوهان کرمان، روستای ابراهیم‌آباد یزد، روستای ینگچه کردستان، روستای گوگ‌تپه آذربایجان غربی، روستای ابویسان خراسان رضوی، روستای رمین سیستان و بلوچستان، روستای پوده اصفهان و روستای خرماکلا استان مازندران.

روستای ابویسان که در شهرستان جغتای خراسان رضوی است با ۷۰۰ نفر جمعیت، یکی از روستاهای برگزیده بود که آوازه فعالیت‌های ترویجی کتاب‌خوانی‌اش میان دیگر روستاییان پیچید. زینب ابویسانی، زن ۳۲ ساله‌ای که حالا به‌عنوان یکی از فعال‌ترین کتاب‌خوانان استان خراسان رضوی شناخته می‌شود، طرح ترویجی کتاب‌خوانی در روستای ابویسان را در دوره اول برگزاری جشنواره شرکت داد و شد آنچه فکرش را هم نمی‌کرد: «یک شب در زمستان سال ۱۳۹۳ در اخبار شبانگاهی تلویزیون، یک کلمه درباره جشنواره روستاهای دوستدار کتاب شنیدم و کنجکاو شدم. همین شد شروع جست‌وجوی من در این باره. طرح ما درباره همه فعالیت‌هایی بود که درباره رابطه روستا و کتاب انجام داده بودیم؛ مثلاً در کتابخانه به زنان روستا جایی دادیم تا در کنار کتاب‌فروشی، کارهای هنری‌شان را انجام دهند. از طرف دیگر، اینجا کشاورزی به صورت سنتی است و ما کتاب‌هایی در حوزه کشاورزی صنعتی به مردم دادیم که بخوانند. برگزاری آیین‌های ملی و مذهبی با استفاده از کتاب، برنامه‌های ویژه، نمایشگاه‌ها، و فعالیت‌های نمایشی از دیگر کارهای ما بود.»

کتابخانه ابویسان از سال ۱۳۵۷ به همت جهاد سازندگی وقت در فضایی الحاقی به مسجد روستا آغاز به کار کرد و در طول سال‌ها، فرازونشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است. در سال ۱۳۸۶ به همت جمعی از جوانان روستا فعالیت آن به شیوه‌ای جدید و کاملاً مردمی از سر گرفته شد. ثمره این فعالیت‌ها سبب ترغیب اقشار مختلف روستا به رویکردهای فرهنگی و هنری بود. شرکت در مسابقات مختلف کتاب‌خوانی و نقاشی و کسب مقام‌های استانی و شهرستانی در این زمینه، گویای توجه این جامعه روستایی به کتاب و کتابخانه بود. کتابخانه ابویسان سال‌های متمادی به‌عنوان کتابخانه برتر روستایی استان خراسان و شهرستان جغتای مطرح بود. توجه به طرح‌های کتاب‌خوانی با محیط روستایی و زندگی کشاورزی بخش عمده‌ای از فعالیت‌های کتابخانه ابویسان بود. طرح‌هایی مثل «آشتی با طبیعت»، «کتاب، کشاورزی، روستا»، «کتاب، زن، روستا»، «دیده و دل»، «نگارخانه کتاب»، «اوسنه‌ها و مادر بزرگ» و... از جمله این برنامه‌ها بوده‌اند. ساختمان جدید کتابخانه ابویسان با زیربنای ۱۳۲ مترمربع، با همت خیرین و اهالی ساخته شده است و کاملاً مردمی ساخته و اداره می‌شود. این کتابخانه مخزن، سالن مطالعه و بخش مجرای کودک و ۴۷۳ عضو فعال دارد و در کنار تشویق اقشار مختلف به کتابخانه، دوره‌های آموزشی، ورزشی و هنری، مسابقات فرهنگی و کتاب‌خوانی و... برگزار می‌کند. آن‌طور که زینب ابویسانی می‌گوید، قرار گرفتن این روستا در جمع روستاهای دوستدار کتاب، سرآغاز فصلی جدید در فعالیت‌های کتاب‌خوانی شد: «هزینه دریافتی از جشنواره روستاهای دوستدار کتاب سرآغاز ساخت کتابخانه جدید ابویسان شد و به دنبال آن همت خیرین و اهالی برای ساخت کتابخانه کمک بزرگی بود. جام باشگاه‌های کتاب‌خوانی اتفاق فرهنگی دیگری بود که قشر کودک و نوجوان کشور، به‌ویژه کودکان و نوجوانان روستا را به فرهنگ عمیق کتاب و اندیشیدن ترغیب می‌کرد. در دومین دوره این جام در سال ۱۳۹۶، ۵ هزار باشگاه از ۱۰۰ شهر و روستای کشور شرکت داشتند که باشگاه «استی» مقام اول را از آن خود کرد و در سال ۱۳۹۷ از سوی هیئت داوران این جشنواره، از روستاهای برگزیده ادوار قبل این جشنواره به‌عنوان برگزیده استمرار (برگزیده برگزیدگان) انتخاب شد. در این سال و در پنجمین دوره جشنواره، ۱۴۰۶ روستا و آبادی عشایری از همه استان‌های کشور موفق به ارسال آثار خود به دبیرخانه مرکزی این جشنواره شدند که نسبت به سال گذشته ۱۰۶ روستا رشد داشت.



نمودار فراوانی روستاهای شرکت‌کننده در پنجمین جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب ۱۳۹۷



بعد از سال ۱۳۹۷، باشگاه کتاب‌خوانی کودک و نوجوان «استی» که برآمده از دل کتابخانه ابویسان بود، مقام اول این دوره‌ها را از آن خود کرد و دنیای بزرگ‌تری را به کودکان و نوجوانان شهرستان نشان داد. یکی از رویکردهای مهم باشگاه کتاب‌خوانی کودک و نوجوان «استی»، توجه به فرهنگ اصیل ایرانی و بومی بوده است. مروری بر آداب و سنن ابویسان در نوروز، ادای احترام به بزرگان ادب فارسی و نویسندگان امروز، فعالیت‌های فردی و جمعی کتاب‌خوانی و... از جمله این موارد است. از جمله طرح‌های اجرا شده در سطح شهرستان هم طرح دمی با کتاب، به روزرسانی مدارس با معرفی کتاب، نویسنده، مترجم و ناشران، ترویج کتاب‌خوانی در ۹ روستای شهرستان، تهیه و پخش بریده‌های کتاب در باکس خرید و توزیع آن‌ها در بازارچه‌های محلی، و حضور نویسندگان متعدد در روستاست. این برنامه‌ها توانست چشم‌انداز وسیعی به کودکان و نوجوانان بدهد و دنیایی فراتر از روستا را برای کودکان و نوجوانان به وجود آورد. کتابخانه‌های روستایی به‌عنوان پایگاه مهم فرهنگی-اجتماعی هستند که نقش اساسی‌شان ارتقای سطح آگاهی مردم در بهبود زندگی اجتماعی و رفتار جمعی است.»

ابویسانی از دیگر طرح‌هایی می‌گوید که در روستای ابویسان پیگیری شده و همچنان خیلی‌ها این روستا را در صدر روستاهای موفق در حوزه ترویج کتاب‌خوانی می‌شناسند: «بچه‌های روستا با همین کتابخانه بزرگ شدند. زنان هم استقبال خوبی از طرح‌های ما داشتند، به طوری که حتی باشگاه زنان را هم راه‌اندازی کردیم. هفته‌ای یک بار جلسه حافظ‌خوانی و نقد کتاب داشتیم و حتی از نویسندگان کتاب‌ها نظرمی‌خواستیم، کلی نویسنده هم به روستای ما آمدند. زنان روستاهای اطراف هم فعالیت‌های ما را دیدند و استقبال زیادی کردند و حتی اقدام به تأسیس کتابخانه کرده‌اند، اما هنوز موفق نشده‌اند. آن‌ها عضو کتابخانه ما هستند و مرتب کتاب می‌گیرند و می‌برند. از طرف دیگر در طرح روستاهای پاک، یکی از معیارها، «عاری از اعتیاد و طلاق» بود و یکی اینکه چند درصد مردمش کتاب‌خوان باشند. ما ماهی یک بار در روستای خودمان و روستاهای اطراف، ترویج کتاب می‌کردیم. با شورا و دهیار صحبت می‌کردم و زنان و کودکان را در گروه‌هایی جمع می‌کردیم. نقاشی می‌کشیدیم، نمایش بازی می‌کردیم یا یک نفر را به عنوان سفیر کتاب انتخاب می‌کردیم. در مغازه‌ها بریده‌های کتاب را می‌گذاشتیم تا فروشندگان آن‌ها را در پلاستیک‌های خریدشان بگذارند و اگر خواستند، کتاب کامل را از ما امانت بگیرند.»

او درباره تأثیر برگزاری جشنواره روستاهای دوستدار کتاب هم می‌گوید: «کلاً دیدگاه‌ها خیلی عوض شد. قبل از آن، مردم روستا فکر می‌کردند که این فعالیت‌ها فقط برای بچه‌هاست، اما بعد از جشنواره اعتماد خیلی بالا رفت، به طوری که مردم زکاتشان را به کتابخانه روستا می‌دادند. حتی مردی یک تکه زمینش را فروخت و یک میلیون تومان به ما داد. مردم اگر نذری داشتند، به کتابخانه می‌دادند. از طرف دیگر خود مردم کتاب‌خوان شدند و حالا دایره لغات بچه‌ها و زنان خیلی بهتر شده است. خانم‌ها می‌گفتند ما قبل از طرح‌های کتاب‌خوانی روستا، رویمان نمی‌شد حرف بزنیم، اما الان پرسشگر شده‌اند. بچه‌ها هم دیگر فکر نمی‌کنند که باید با همه چیز فقط موافقت کنند و فکرشان با کتاب‌خوانی باز شده است.»



تصویری از کتابخانه روستای ابویسان

سال دوم؛ برگزیده‌ای از یزد

سال ۱۳۹۴، یک سال پس از شروع به کار جشنواره روستاهای دوستدار کتاب، استقبال از آن بیشتر هم شد. پس از برگزاری اولین دوره انتخاب و معرفی پایتخت کتاب ایران و جشنواره روستاهای دوستدار کتاب، با اینکه صداوسیما در بازتاب آن اقدام مؤثری انجام نداد، اما در مطبوعات و رسانه‌های محلی و منطقه‌ای و مراکز استانی صداوسیما، به این دو رویداد توجه زیادی شد. نهادهای غیردولتی و دولتی فعال در این حوزه هم از برگزاری این رویدادها استقبال کردند. آن سال سایت شبکه ترویج کتاب‌خوانی درباره مهم‌ترین دلایل ادامه این فعالیت‌ها نوشت:

زمینه‌های بالای مشارکت: به حدی که تاکنون بیش از هشتصد روستا طرح‌های اجرا شده و برنامه‌های پیش‌بینی شده خود را برای این جشنواره ارسال کرده‌اند.

هم‌خوانی حداکثری با برنامه‌های دولت: هر دو رویداد توسعه فرهنگی شهرها و روستاها را با توجه به ظرفیت‌های محلی هدف قرار داده‌اند و اولین گام برای این کار را شناسایی و تشویق نیروهای فعال و بعد بسیج امکانات و ظرفیت‌های دولتی و غیردولتی در سطح منطقه و ایجاد شبکه‌های هم‌افزایی محلی تعریف کرده‌اند. استقبال گسترده مدیران و مسئولین محلی: مدیران شهری و روستایی این برنامه‌ها را در راستای طرح‌های توسعه‌ای یافته و به شکل‌های گوناگون به استقبال آن آمده و حتی به توسعه خود برنامه هم کمک کرده‌اند.

وجود ظرفیت‌ها و سرمایه‌های مادی و معنوی: با اجرای این برنامه‌ها مشخص شد که علاوه بر سرمایه‌های انسانی و مدیریتی فعال و بانشاط، سرمایه‌های سازمانی و اقتصادی خوبی هم در سطوح محلی وجود دارد که می‌توانند در یک طرح به کار گرفته شوند.

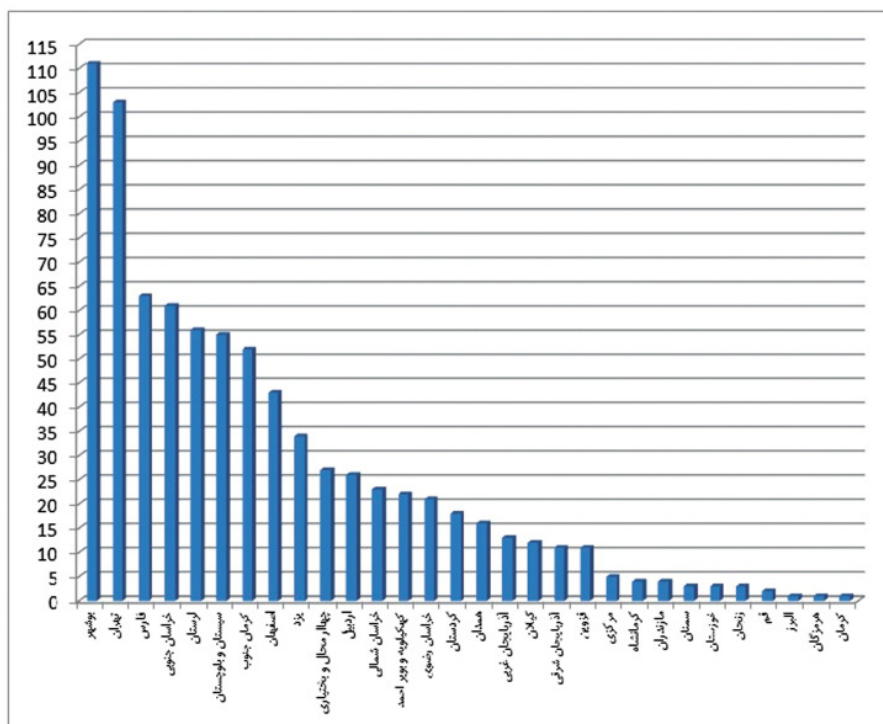
استقبال بخش خصوصی: صنایع، کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی و صنعتی زیادی در سطوح استانی و شهرستانی از سرمایه‌گذاری در حوزه کتاب و کتاب‌خوانی استقبال کرده‌اند. همچنین در سطح ملی، بنیاد ملت وابسته به بانک ملت و بانک آینده، دوبانکی بودند که پشتیبانی‌های خوبی از این برنامه‌ها به عمل آورده‌اند. نیاز جامعه: پژوهش‌های زیادی نشان می‌دهند که کتاب‌خوانی به عنوان یکی از سالم‌ترین فعالیت‌های فرهنگی باید مورد حمایت همه‌جانبه دولت و بخش خصوصی قرار بگیرد.

در سال ۱۳۹۴ و دومین دوره برگزاری این جشنواره، تغییراتی هم در شیوه اجرای آن انجام شد؛ مثل اضافه شدن بخش عشایری به جشنواره روستای دوستدار کتاب و تغییر آن به «جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب ایران»، مشارکت بیشتر دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و سازمان‌ها و مؤسسات خصوصی در اجرای برنامه‌ها، مشارکت بیشتر مدیران استانی در فرایندهای اجرایی و افزایش کمی و کیفی شهرها و روستاهای شرکت‌کننده.

روستای شمسی از توابع اشکذر استان یزد، یکی از روستاهایی بود که در سال ۱۳۹۴ در این جشنواره برگزیده شد. شمسی در ۳۵ کیلومتر جاده یزد. میبداست؛ درست در میانه شهرستان‌های اشکذر و میبدا.

۲۲ | شبکه روستاهای دوستدار کتاب و جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب

روستایی با ۴۰۰ خانوار و ۱۵۰۰ نفر جمعیت که ۹۶ درصدشان باسوادند. «شمسی» خاستگاه شخصیت‌های فرهنگی، علمی و سیاسی بزرگی بوده؛ از آیت‌الله سیدجواد حیدری یزدی تا آیت‌الله حاج‌شیخ غلام‌رضا فقیه خراسانی و سیداسماعیل داودی که همه در میان مردم این روستا از محبوبیت زیادی دارند. یکی از ویژگی‌های این روستا، فعالیت تشکل‌های مردمی و غیردولتی خودجوشی است که در حوزه توسعه فرهنگی آن مشغول فعالیت هستند. طی سال‌های اخیر، این قبیله فعالیت‌ها توسط جوانان و سازمان‌های مردم‌نهادی مانند انجمن راهیان نور، جمعیت جوانان شمسی، گروه اندیشه جوان، کانون‌های مساجد، کتابخانه حیدری و سیدالساجدین و... مدیریت و برنامه‌ریزی شده‌اند. جشنواره نوروزی پاتوق، سالنامه اربعین بیداری، اجرای رادیوآبادی، شرکت در جام باشگاه‌های کتاب‌خوانی کودک و نوجوان و غیره، از دیگر فعالیت‌های فرهنگی روستا در سال‌های اخیر بوده‌اند. با ارائه برنامه‌های متعدد در حوزه کتاب‌خوانی، روستای شمسی در دومین جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب در سال ۱۳۹۴ به‌عنوان یکی از روستاهای دوستدار کتاب ایران شناخته و معرفی شد و با استمرار این فعالیت‌ها در سومین جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب، عنوان برگزیده برگزیدگان روستاهای دوستدار کتاب، در سال ۱۳۹۵ از آن این روستا شد؛ در سال ۱۳۹۵ و در سومین دوره برگزاری جشنواره، ۹۵۲ روستا از ۳۰ استان کشور شرکت کردند.



تعداد روستاها و عشایر شرکت‌کننده بر اساس استان

از دیگر فعالیت‌های حوزه کتاب‌خوانی روستای شمسی می‌توان به شرکت در جام باشگاه‌های کتاب‌خوانی کودک و نوجوان اشاره کرد. جوانان روستا با شرکت در کارگاه آموزشی این جام اقدام به تشکیل ۹ باشگاه کتاب‌خوانی هواداران کتاب، علاءالدین، دهور، اکابر، شبستان، ساباط، جزیره دانش، بچه‌های خوب و جوانه‌های امید کردند. باشگاه کتاب‌خوانی اکابر از روستای شمسی، توانست با ایده‌های ابتکاری خود در جمع ۱۰ باشگاه برتر کتاب‌خوانی کشور در سال ۱۳۹۶ معرفی شود.

این روستای کوچک سه کتابخانه دارد که مجموع کتاب‌های آن‌ها بیشتر از ۱۷ هزار جلد است؛ یک کتابخانه نهادی، یک کتابخانه مسجدی و یک کتابخانه مربوط به بخشی خصوصی که توسط مرحوم آیت‌الله حیدری یزدی تأسیس شده و الان هم خانواده او اداره‌اش می‌کنند. در این کتابخانه‌ها و در قالب گروه‌هایی پنج تا هشت نفره، افراد با توجه به علاقه مطالعه خود، کتابی را انتخاب کرده و در مدت مشخص آن را مطالعه می‌کنند. اعضای هر حلقه درباره کتاب‌های خود گفت‌وگو کرده و در نشست حلقه‌های کتاب‌خوانی که ماهانه برگزار می‌شود، درباره کتاب انتخابی خود صحبت و آن را به دیگران معرفی می‌کنند. در بعضی از این نشست‌ها، فعالان حوزه کتاب و کتاب‌خوانی از جمله نویسندگان نیز دعوت می‌شوند و در آن‌ها حضور می‌یابند.

محسن کمالیان، مسئول طرح‌های ترویج کتاب‌خوانی در این روستا و عضو اصلی مجمع عمومی شبکه روستاهای دوستدار کتاب کشور، از طرح‌های مختلفی که با هدف ترویج کتاب‌خوانی در این روستا اجرا شده، این‌طور می‌گوید: «طرح‌هایی مثل «درخت آرزوها»، «کافه کتاب»، «نان و کتاب» و «کتاب ماه» که هر یک به وسع خود نقشی اثرگذار در ترویج کتاب‌خوانی میان مردم روستا داشته‌اند. از این جمله، طرح «درخت مهربانی» است که بخشی از تنه یک درخت بزرگ را در این روستا تبدیل به قفسه‌های کتاب کرده است. روستای شمسی در حال حاضر ۹ باشگاه کتاب‌خوانی دارد و ۱۷۰ نفر عضو آن هستند. این روستا یک گاری کتاب هم دارد که گاریچی آن یکی از نوجوانان روستاست که با رفتن به محله‌های مختلف، به علاقه‌مندان کتاب امانت می‌دهد».

یکی از طرح‌های ابتکاری اهالی روستای شمسی، «رادیوآبادی» در فضای مجازی است که برای کتاب‌خوانی تبلیغ می‌کند. کمالیان می‌گوید: «ما در این روستا، فایل‌های صوتی مربوط به برداشت افراد از کتاب‌هایی که خواننده‌اند را میان اهالی به اشتراک می‌گذاریم و توانسته فضایی بسیار صمیمی در روستا به وجود بیاورد. از طرف دیگر، اهالی روستا به‌ویژه افراد بانفوذ میثاق‌نامه‌ای را با عنوان «دوستدار کتاب می‌مانیم» امضا و خود را پایبند به ادامه فعالیت‌های کتاب‌خوانی در روستا کرده‌اند و به این ترتیب، زمینه‌ای هم برای مشارکت اهالی در حل مشکلات دیگر روستا با اتحاد و همدلی فراهم آمده است».

فعالیت‌های ترویج کتاب‌خوانی در روستای شمسی آن‌قدر معروف شده که در فروردین ۱۳۹۷، سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، دوشنبه شب از طرح دوستدار کتاب این روستا دیدن کرد. این روستا در سال‌های گذشته، در نمایشگاه کتاب تهران هم غرفه داشته و این موجب شده افراد بیشتری با فعالیت‌های ترویج کتاب‌خوانی آن آشنا شوند. کمالیان در این باره می‌گوید: «آنجا فعالیت‌های معرفی و ترویج کتاب و فعالیت‌های شاخص روستا را معرفی کردیم. راه‌اندازی مرکز

اسناد در کنار کتابخانه هم یکی دیگر از فعالیت‌های ما بود. همه این فعالیت‌ها با محوریت کتابخانه بوده؛ کتابخانه‌ای مردمی. سعی شده هر جا هر فعالیت بوده، کتاب هم باشد؛ مثل جشن‌های عید غدیر، تئاتر، پنج‌شنبه‌فیروزه‌ای، نمایشگاه محلی روستا، در همه این‌ها کتاب هم بوده است. در کل تأکید جشنواره بر هم‌بستگی در روستاست. ما دنبال آمار کتاب و تعداد بیشتر نبوده‌ایم، بلکه هدف ما، هم‌بستگی حول محور کتاب‌خوانی بود. مرد و زن، پیر و جوان، کودک و نوجوان و همه افراد روستا در این جشنواره دخیل‌اند که بخشی از آن کتاب و کتاب‌خوانی است؛ مثلاً ما با روستاهای ابراهیم‌آباد، شرف‌آباد و رئیس‌آباد که اطراف روستای ما هستند، تبادل فرهنگی مانند مسابقه‌ی مشاعره و... داشته‌ایم و این اتفاق بسیار خوبی است». او از بعضی اتفاقات منفی جشنواره هم این‌طور یاد می‌کند: «ما به فعالیت‌هایمان امید بسیاری داشتیم و داریم، اما متأسفانه به این نتیجه رسیده‌ایم که کار مستقل و غیردولتی به نتیجه نمی‌رسد و به همین دلیل می‌خواهیم در روستا مؤسسه فرهنگی ثبت کنیم. پیش از این، هیچ‌کدام از ما کارمند دولت نبوده‌ایم، کتابخانه‌مان دولتی نبوده است. به همین دلیل می‌خواهیم دولتی‌اش کنیم که اگر بودجه و طرحی هست، به روستایمان تعلق بگیرد. جایزه ما دو تا پنج میلیون تومان بود که برای تجهیزات بود. سال اول دوستان ارشاد کمک کردند و برای کتابخانه قفسه خریدیم، بن خرید هم بود که بیشتر کتاب‌هایی است که از انبار کتاب ارشاد می‌آید؛ کتاب‌های روز نیست. سال بعدش هم پنج میلیون تومان دادند که با آن ۵۰ صندوقی دسته‌دار برای کتابخانه خریدیم. نکته دیگری که باید بگویم این است که در کل، اینکه در حوزه فرهنگی رقابتی برگزار شود، برای روستاها نقطه قوت است. جای چنین جشنواره‌ای خیلی خالی بود».

روستای فیشور؛ یکی از برگزیدگان سال ۹۶

چهارمین جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب در سال ۱۳۹۶ با رقابت ۱۲۲۹ روستا از ۳۳ استان کشور از بهمن این سال آغاز شد. نکته قابل توجه در این دوره، رشد ۴۰ درصدی آثار رسیده به دبیرخانه روستاها و عشایر دوستدار کتاب و رشد کیفی این آثار بود. با بررسی آثار رسیده به این دبیرخانه، می‌توان گفت که این آثار نسبت به سنوات قبل چه از لحاظ تعداد و چه از لحاظ مستندسازی و کیفیت فعالیت‌های انجام‌گرفته، در شرایط خوبی بود. علاوه بر افزایش مشارکت روستاها، طرح‌های رسیده به دبیرخانه جشنواره به لحاظ کیفی هم تنوع چشمگیری داشت و خلاقیت در طرح‌ها و برنامه‌ها برای ترویج کتاب‌خوانی ملموس بود. پس از چند جلسه داوری و بررسی از میان این تعداد روستا، ۴۰ روستا به مرحله نیمه‌نهایی داوری راه یافتند. پس از آن در داوری نهایی که در تاریخ ۲۴ بهمن ۱۳۹۶ توسط داوران به عمل آمد، ۲۰ روستا به مرحله نهایی این جشنواره راه یافتند و در نهایت نام ۱۰ روستا به عنوان برگزیده‌های این دوره از جشنواره معرفی شد؛ روستاهای اسفیدان، امام‌زاده بزم، دهنو لوداب، فیشور، بزنج، قدفن، شرف‌آباد، قادیکلای بزرگ، حسین‌آباد کارخانه قند و باصدی. از میان نامزدهای جایزه استمرار هم که از میان روستاهای برگزیده دوره‌های قبل که در این دوره شرکت کرده بودند اهدا می‌شود، روستای فهلیان از استان فارس به این مقام رسید.

طرح ترویجی روستای فیشور را که در نهایت در میان ۱۰ روستای برگزیده سال ۱۳۹۶ قرار گرفت، فاطمه گل حقیقت، زن ۴۷ ساله اهل این روستا به جشنواره فرستاده بود. او حالا درباره طرح‌های اجرایی در روستای آبا و اجدادی‌اش برای ترویج کتاب‌خوانی این‌طور می‌گوید: «یکی از طرح‌هایی که اجرا کرده بودیم، پیاده‌روی با کتاب بود؛ یعنی با اهالی روستا پیاده‌روی می‌کردیم و مقصدمان پارک جنگلی بود. آنجا دور هم جمع می‌شدیم و جلسات کتاب‌خوانی را برگزار می‌کردیم و در فضای باز و عمومی مردم به ما ملحق می‌شدند. این باعث شد مردم خیلی به کتاب‌خوانی جذب بشوند. بعد از آن طرحی داشتیم که پایان هر کتاب، یک نهال بود که برای بچه‌های باشگاه کتاب‌خوانی، برای رده‌های سنی دبستان گذاشته بودیم. وقتی کتابشان تمام می‌شد، نهال می‌آوردیم و می‌گفتیم اسم این کتاب می‌رود روی نهال و در گلدان می‌کاشتیم. بعد که ۱۰ تا گلدان می‌شد، می‌بردیم و در زمین می‌کاشتیم. طرح بعدی جمع‌آوری کتاب بود. اعلام کردیم می‌خواهیم کتاب جمع کنیم و بفرستیم مناطق محروم. دو میز گذاشتیم جلوی کتابخانه و مردم کتاب‌های زیادی اهدا کردند. کتاب‌ها را جمع و بسته‌بندی کردیم و فرستادیم برای روستاهایی که کتابخانه نداشتند. برای روستاهای اطرافمان هم هرکدام نیاز به کتاب داشتند، کتاب می‌بردیم؛ مثلاً برای مدارس عشایری که اطراف ما بودند. بعد از آن در روستا شروع به ساخت پارک کتاب کردیم؛ بلافاصله بعد از اینکه در جشنواره برگزیده شدیم. زمینش را از دهیاری گرفتیم و مردم هم ۴۰۰ میلیون تومان کمک کردند؛ الان پارک آماده شده، اما هنوز افتتاح نشده است».

روستای فیشور ۸۵۰ نفر جمعیت دارد، در منطقه لارستان و سه ساعتی بندرعباس. فاطمه گل از زمانی که به دنیا آمده، در آنجا زندگی کرده است؛ در روستایی که پدرش سال‌ها امام جمعه آن بود و به همین دلیل مردم توقع خاصی از او داشتند. به همین دلیل هم بود که او به دنبال فعالیت‌های داوطلبانه فرهنگی برای روستاییان و به‌ویژه زنان روستا رفت. او از طریق اداره فرهنگ و ارشاد شهر «عوض» که نزدیک روستای فیشور است، از برگزاری جشنواره روستاهای دوستدار کتاب خبردار شد. بعد از آن، باشگاه کتاب‌خوانی را در روستا تشکیل داد و از این به بعد، به‌صورت جدی تری ترویج کتاب‌خوانی در روستا دنبال شد: «روستای ما از قدیم با کتاب غریبه نبوده. الان در کتابخانه کتاب‌های دست‌نویسی داریم که متعلق به ۲۵۰ سال قبل است. اجداد ما هم به کتاب‌خوانی علاقه داشته‌اند. کتابخانه روستای ما در سال ۸۴ افتتاح شده و خیلی مجهز است. ۱۲۰۰ متر است، ۹۰۰ متر زیربنایش است و دو طبقه دارد. ولی خب فعالیت آن کم بود و کم‌کم به سمت تعطیلی می‌رفت. من آنجا به زنان روستا نقاشی آموزش می‌دادم و بعداً کم‌کم به این فکر افتادم که در ترویج کتاب‌خوانی فعالیت کنم و کلاس‌های قصه‌گویی و... را در آن برگزار کنم. سال ۹۴ من را به‌عنوان مسئول خانه فرهنگ انتخاب کردند و از آن موقع فعالیت‌هایمان را بیشتر کردیم تا اینکه سال ۹۶ هم به‌عنوان روستای دوستدار کتاب انتخاب شدیم».

کتابخانه روستای فیشور حالا ۹ هزار جلد کتاب و ۲۷۰۰ عضو دارد. فاطمه گل می‌گوید بعد از برگزیده شدن در جشنواره روستاهای دوستدار کتاب، استقبال مردم از کتابخانه خیلی بیشتر شده است: «مادران زیادی در کنار ثبت نام بچه‌هایشان در کتابخانه، به‌صورت داوطلبانه فعالیت و به ما کمک می‌کنند. در کتابخانه

کلاس‌های مختلفی مثل چرم‌دوزی، نقطه‌کوبی، پختن غذاهای محلی و شیشه‌گری برای زنان برگزار می‌کنیم. فوریت‌های پزشکی، حسابداری، اطلس‌دوزی و... هم جزء دیگر کلاس‌ها هستند. در روستای ما از گذشته صنعت ملکی‌دوزی یا همان گیوه‌دوزی رسم بوده، ولی الان به‌کلی فراموش شده است. مردم روستای ما دامداری و کشاورزی می‌کنند و نخل و خرما دارند، اما شغل بیشتر مردم اینجا تجارت است؛ در کشورهای اطراف خلیج فارس و آنجا مغازه دارند. در این فکر هستم که با خرید چند دستگاه، دوباره صنعت ملکی‌دوزی را راه بیندازم. به‌رحال کتابخانه ما در نبود حتی یک مرکز مشاوره و دیگر مراکز، تبدیل به تنها مرکز فرهنگی روستا شده و امیدوارم با افتتاح پارک کتاب، فعالیت‌هایمان گسترده‌تر شود».



تصویری از کتابخانه روستای فیشور

ششمین و هفتمین دوره؛ استقبال گسترده

ششمین جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب ایران از ابتدای تیرماه با اعلام فراخوان از سوی دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و ستاد هماهنگی شهرها و روستاهای دوستدار کتاب معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با مشارکت و همکاری نهادها و سازمان‌هایی شروع به کار کرد، از جمله نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، ستاد عالی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور، خانه کتاب، کمیسیون ملی یونسکو، انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران، انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران و شبکه شهرهای دوستدار کتاب و بخش خصوصی و فعالان فرهنگی و تشکل‌های مردم‌نهاد. در این دوره ۱۴۱۹ روستا برنامه‌هایشان را به دبیرخانه مرکزی ارسال کردند و پس از داوری اولیه ۶۰ اثر به مرحله نیمه‌نهایی این جشنواره راه یافتند. از ۶۰ روستا و منطقه عشایری

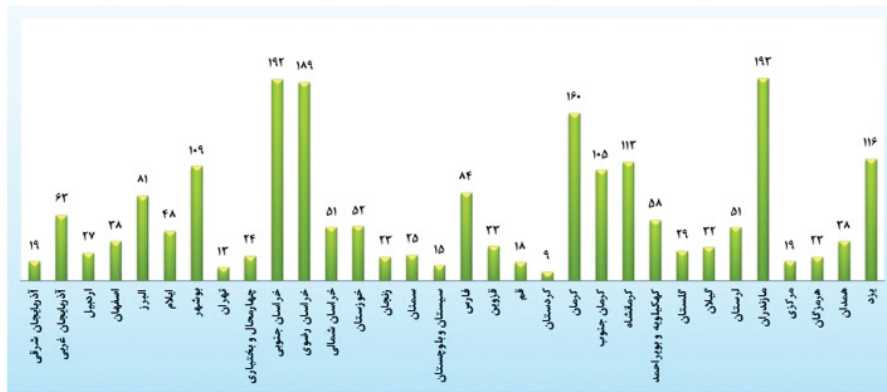
راه یافته به مرحله نهایی این جشنواره، ۶ روستا و منطقه عشایری در بخش استمرار حضور داشتند و پس از داوری نهایی، روستای پوده از توابع شهرستان دهقان استان اصفهان به عنوان برگزیده بخش استمرار انتخاب شد. از ۵۴ روستا و منطقه عشایری حاضر در مرحله نیمه نهایی هم مثل هر سال، ۱۰ روستا به عنوان روستاهای برگزیده و ۱۰ روستا به عنوان روستاهای تقدیری انتخاب شدند.

روستاهای برگزیده ششمین جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب

ردیف	استان	سهر	روستا	نام صاحب طرح
۱	خراسان شمالی	شیروان	زوارم	فاطمه قدرتی زوارم
۲	اصفهان	کاشان	وادقان	اعظیم حمید وادقانی
۳	آذربایجان	مهاباد	سیدآباد	خالق مام اسماعیل
۴	بوشهر	بوشهر	بنه‌گز	کلثوم عالی پور
۵	فارس	چهرم	علویه	سمانه رستمی بابا عربی
۶	کهگیلویه و بویر احمد	گچساران	خیرآباد جلیل	افسانه افضلی نژاد
۷	مازندران	نکا	خورشید	فاطمه سادات جعفری
۸	هرمزگان	بندرعباس	ایسین	زهرا پورحسن
۹	همدان	تویسرکان	سیدشهاب	هاجریات
۱۰	یزد	مهریز	گردکوه	علی رضا محسنی گردکوهی
۱۱	اصفهان	دهاقان	پوده	بنفشه نفیسی (برگزیده بخش استمرار)

روستای اکبرآباد از توابع شهر پاسارگارد استان فارس، یکی از روستاهایی بود که در نهایت جزء فهرست تقدیری روستاها قرار گرفت. هاجر زارع، یکی از زنان جوان اهل این روستای ۲ هزار نفره، کسی بود که طرح ترویج کتاب خوانی را به این جشنواره فرستاد و آن قدر فعالیت هایش را ادامه داد که روستایش سال بعد و در هفتمین دوره جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب، جزء ۱۰ روستای برگزیده شد. با توجه به گسترش بیماری کووید ۱۹ در کشور، هفتمین دوره این جشنواره با رویکرد فضای مجازی برگزار شد و با اعلام فراخوان ارسال آثار روستاهای متقاضی شرکت در این جشنواره، ۲۰۵۰ روستا و منطقه عشایری از سراسر کشور آثار و مستندات خود را به دبیرخانه مرکزی ستاد هماهنگی شهرها و روستاهای دوستدار کتاب معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارسال کردند. در دوره هفتم و در سال ۱۳۹۹، با وجود شیوع ویروس کرونا، کیفیت و کمیت آثار رشد زیادی داشت و هیئت داوران این جشنواره در مرحله اول ۱۱۳ روستا و منطقه عشایری را برای داوری در مرحله دوم انتخاب کردند. داوران مرحله دوم این جشنواره از میان ۱۱۳ اثر راه یافته به این مرحله، ۵۶ روستا و منطقه عشایری از ۲۰ استان را بر اساس شاخصه‌های زیر به عنوان برگزیدگان مرحله دوم این جشنواره انتخاب و به دبیرخانه جشنواره برای داوری نهایی معرفی کردند: نیازهای محلی، آیین‌های بومی و ارزش‌های دینی و ملی، جلب

مشارکت مردمی و پشتیبانی دستگاه‌های اجرایی برای تأمین هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری، طراحی یا اجرای برنامه برای زنان، کودکان و نوجوانان، برخورداری برنامه و شیوه اجرای آن از خلاقیت و نوآوری، قابلیت الگوبرداری و استمرار و مداومت برنامه‌ها، اهتمام ویژه به توسعه و تجهیز فضاها و بناهای حوزه کتاب روستاها در برنامه‌های طراحی شده؛ و قابلیت و ضمانت اجرا داشتن برنامه‌های ترویج کتاب‌خوانی. داوری نهایی هفتمین دوره جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب در دو روز و در مؤسسه خانه کتاب و ادبیات ایران برگزار شد و ۱۰ روستا به عنوان روستای دوستدار کتاب، ۱۵ روستا به عنوان روستاهای تقدیری و یک روستا به عنوان برگزیده نشان استمرار از سوی هیئت داوران انتخاب شدند. روستاهای شرکت‌کننده در هفتمین جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب به تفکیک استان



هاجرزارع یکی از کسانی بود که طرحش برگزیده شد. او فعالیت‌های مربوط به ترویج کتاب‌خوانی را از هشت سال پیش در روستا شروع کرد، یعنی وقتی که شنید دهیاری و شورای روستا قصد ساخت کتابخانه دارند. طرح‌های شهروندی کتاب، سفیر کتاب، برگزاری جلسات روان‌شناسی برای اعضای کتابخانه، برگزاری رایگان کلاس‌های کمک‌های اولیه، کاردستی، نقاشی و... از فعالیت‌هایی بود که او اجرا کرد و البته خیلی‌شان حالا به دلیل شیوع ویروس کرونا تعلیق شده‌اند. کتابخانه روستای اکبرآباد، پانصد عضو فعال و حدود شش هزار نسخه کتاب دارد. زارع می‌گوید کتابخانه روستا، تنها مرکز فرهنگی‌ای است که اهالی را دور هم جمع می‌کند و این تأثیر زیادی بر کتاب‌خوانی‌شان گذاشته است: «مثلاً در جلسات روان‌شناسی، علاوه بر حضور روان‌شناس، کتاب‌های این حوزه را در معرض دید می‌گذاشتیم و اهالی آن‌ها را برمی‌داشتند و می‌بردند. هر روز هم به تعداد شرکت‌کنندگان در این جلسات اضافه می‌شد. حتی جلسه‌ای بود که ۷۰ نفر در آن شرکت کرده بودند». او می‌گوید برگزیده شدن در جشنواره روستاهای دوستدار کتاب تأثیر زیادی بر اهالی روستا داشته است: «تأثیرش خیلی مثبت بود. سال ۹۸ که تقدیر شدیم، ۱۰ میلیون جایزه کتاب به ما دادند و وقتی

اعضا فهمیدند، خیلی دوست داشتند که فعال تر شرکت کنند. در روستای ما زنان خانه دار و کودکان استقبال زیادی از فعالیت های کتابخانه می کنند و این خیلی به انگیزه ما برای ادامه دادن کمک می کند». در ادامه تصاویری از اختتامیه ششمین دوره جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب آورده می شود.



شبکه روستاهای دوستدار کتاب

برگزارکنندگان از آغاز طراحی و اجرای این رویدادها به این می اندیشیدند که چه تضمینی وجود دارد که این رویدادها و ابتکارات بلندپروازانه و مؤثر با تغییرات احتمالی از بین نرود؟ یکی از راه ها تبدیل این جنبش به مطالبه ای عمومی بود و این حاصل نمی شد، مگر از راه متشکل شدن گروه های مردمی ترویج کتاب خوانی و بازکردن راه مشارکت و حضور آنان در سیاست گذاری های عمومی. با همین نگاه، ستادی با عنوان ستاد هماهنگی شهرها و روستاهای دوستدار کتاب تأسیس و ذیل آن شبکه گروه های ترویج کتاب خوانی، شبکه شهرهای دوستدار کتاب و شبکه روستاهای دوستدار کتاب تشکیل شد.

این ستاد با حضور نماینده شبکه گروه‌های ترویج کتاب‌خوانی، نماینده گروه‌های ترویج کتاب‌خوانی، شبکه روستاها و عشایر دوستدار کتاب، نماینده سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، نماینده کمیسیون ملی یونسکو و نماینده نهاد کتابخانه‌های عمومی تشکیل شده و رویدادهای ترویج کتاب‌خوانی شامل جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب، جام باشگاه‌های کتاب‌خوانی، انتخاب معرفی پایتخت کتاب ایران، دوشنبه‌های کتاب‌خوانی و... با سیاست‌گذاری آن انجام می‌شود.

این نهاد سیاست‌گذار امکان مشارکت نهادهای مدنی و غیردولتی و همچنین نهادهای عمومی را در سیاست‌گذاری و اجرای رویدادهای ترویج کتاب‌خوانی فراهم می‌کند.

شبکه روستاها و عشایر دوستدار کتاب نهادی است ارتباطی و هماهنگ‌کننده برای تبادل تجربیات و فعالیت‌های مشترک بین روستاها و آبادی‌های عشایری که تاکنون در جشنواره روستاها و عشایر دوستدار کتاب برگزیده شده‌اند. این نهاد با حضور دهیاران، رؤسای شوراها و کتابداران روستایی تشکیل و در انتخاباتی با حضور آنان، اعضای شورای هماهنگی انتخاب شدند.

این شبکه اردیبهشت سال ۱۳۹۷ با برگزاری انتخابات شورای هماهنگی در تهران فعالیت خود را آغاز کرد و در مراسمی در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در اردیبهشت ماه امسال اعلام موجودیت کرد.

جمع‌بندی؛ نوزادی که به نوجوانی رسید

وجود ۲۰ تا ۲۵ میلیون جمعیت روستایی در ایران و البته نبودن نهاد فرهنگی متولی در تعداد زیادی از روستاها، یکی از دلایل اصلی کسانی بود که جشنواره روستاهای دوستدار کتاب را راه‌اندازی کردند و ادامه دادند. آن‌ها می‌گویند وجود یک اداره ارشاد اسلامی در هر شهرستان، برای کار فرهنگی در روستاها کافی نیست و به همین دلیل نیاز بود جشنواره‌ای سراسری تشکیل شود که نه تنها روستاییان را در مسیر کتاب‌خوانی و دیگر فعالیت‌های فرهنگی پیش ببرد، بلکه جمعیت روستایی را به هم نزدیک کند و موجب جمع‌متشکلی از آن‌ها شود.

ابراهیم حیدری که حالا مدیرکل دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیرشش دوره این جشنواره است، از زحمات و تلاش‌های همکاران خود برای راه‌اندازی و تثبیت این برنامه می‌گوید. وی ضمن همکاری از دوره اول، از دوره دوم دبیرشش دوره این جشنواره بود و از ارتباط شبانه‌روزی خود و همکارانش با روستاها و مسئولان روستایی برای پیگیری برنامه‌های کتاب‌خوانی آن‌ها می‌گوید. او پس از برگزاری هفت دوره از جشنواره روستاهای دوستدار کتاب می‌گوید سال ۱۳۹۳ که این دفتر وارد این حوزه شد، این فکر وجود داشت که ترویج کتاب‌خوانی مسئله‌ای اساسی و گم شده است، چراکه در همه سال‌های گذشته به همه مباحث مربوط به حوزه نشر توجه شده، اما ترویج کتاب‌خوانی مغفول مانده است: «به همین دلیل بود که مجموعه‌ای از برنامه‌ها را در معاونت امور فرهنگی و حوزه روستاها طراحی کردیم. اکنون بالای ۲۰ تا ۲۵ میلیون جمعیت روستایی

داریم، اما به طور خاص، نهاد فرهنگی متولی نداریم. هر شهرستان، اداره فرهنگ و ارشاد دارد که کل شهرستان را در بر می‌گیرد، اما دیگر با آن اعتبارات کم نمی‌تواند به روستاها رسیدگی کند. ما احساس کردیم که در حوزه کتاب و کتاب‌خوانی با توجه به حقوق و ظرفیت‌های بالقوه و میراث گذشته‌ای که در روستاها وجود دارد، می‌توان حوزه کتاب و کتاب‌خوانی را رونق بخشید. با توجه به غفلت و ظرفیتی که در روستاها وجود داشت، جشنواره روستاها را طراحی کردیم. نخستین دوره این جشنواره که برگزار شد، استقبال بدی از آن نشد و حدود ۶۰۰ روستا در آن شرکت داشتند. ما در این بحث دو هدف را دنبال می‌کردیم؛ یکی زیرساخت‌های حوزه نشر در آن زمان، مانند راه‌اندازی کتابخانه‌ها، کتاب‌فروشی‌ها، کافه‌کتاب‌ها و گروه‌های مروج کتاب‌خوانی؛ و دوم، برگزاری جشنواره‌ها و مسابقات در روستاها».

چگونگی استفاده از ظرفیت‌های گردشگری، بومی و محلی و ظرفیت‌های علمی روستا از دیگر دلایل اصلی راه‌اندازی جشنواره روستاهای دوستدار کتاب بود. تاکنون حدود ۹ هزار روستا در ادوار مختلف این جشنواره‌ها شرکت کرده‌اند و آخرین آمار مربوط می‌شود به هفتمین دوره که شرکت ۲ هزار و ۵۰ روستا در جشنواره ثبت شده است.

حیدری می‌گوید طی هفت دوره جشنواره روستاهای دوستدار کتاب، رقابت‌های خوبی میان روستاها به وجود آمده و اگر از روستایی تمجید شده، موجب ایجاد رقابت میان روستاها شده است: «این رقابت موجب شده است که ما چندین کتابخانه از قبیل این جشنواره‌ها تأسیس کنیم که به حوزه کتاب و کتابخانه توجه شود. اگر مسئولان و دهیاران روستایی تاکنون به این موضوع در روستاها توجه نمی‌کردند، این توجه موجب شد که حدود پنج درصد از بودجه حوزه سازمان دهیاری‌ها، صرف ترویج کتاب و کتاب‌خوانی شود. با توجه به تأکید و حمایت‌های ما، کتاب‌خوانی نیز به عنوان یکی از دغدغه‌های مهم دهیاران و شورای اسلامی در روستاها تبدیل شده است تا مسائل فرهنگی جزء برنامه‌های روستا باشد و البته بخشی از این اهداف محقق شده است. از طرف دیگر تشکیل بخش زنان و کودکان و همچنین موارد مختلف از جمله شاهنامه‌خوانی و... باعث شده است که این موارد تبدیل به الگو شود و میراث روستایی از این طریق معرفی و پاس داشته شود. این فعالیت‌ها موجب تجدید بیعت با میراث گذشته و کتاب‌خوانی و تقویت کتابخانه‌ها شده است. درست است که برای هر روستای برگزیده شده، مثلاً ۵۰ میلیون تومان صرف می‌کنیم، اما بعضی مواقع خیرین هم حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان صرف این کار می‌کنند».

در سال‌های گذشته هم مسئولان وزارت ارشاد و هم روستاییانی که در این جشنواره شرکت کرده‌اند، می‌گویند تشکیل شبکه‌هایی مانند زنان خانه‌دار کتاب‌خوان، کودکان کتاب‌خوان، سالمندان کتاب‌خوان و... موجب صرف وقت این گروه‌ها برای کتاب‌خوانی شده است. حیدری هم در این باره می‌گوید: «بحث کتاب‌خوانی در بسیاری مکان‌ها علاوه بر جنبه فرهنگی‌اش، به مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی و... توجه دارد؛ توجه به حوزه کتاب و کتاب‌خوانی باعث شده است که روستاها خودشان را در این حوزه‌ها هم پیدا کنند. از طرف دیگر، اقدامات انجام شده، تنها با تلاش وزارت ارشاد موفق نشده است، بلکه پنج یا شش نهاد و سازمان دیگر نیز همراه ما بوده‌اند. این مجموعه با هم فکری یکدیگر توانستند جشنواره‌ها را برگزار و

جوایز را پرداخت کنند. این هم‌افزایی که در حوزه کتاب و کتاب‌خوانی به وجود آمد، باعث شد که بیشتر به فکر هم‌افزایی در حوزه‌های دیگر بیفتیم. این تلاش‌ها در بررسی ما نشان می‌دهد که ترویج کتاب‌خوانی در روستاها، می‌تواند تا ۷۰ درصد در بخش سرانه مطالعه تأثیر داشته باشد. از طرف دیگر، فعالیت‌های داوطلبانه‌ای که این سال‌ها در روستاها انجام شد، بسیار مهم است. در بسیاری مواقع، بخش خصوصی و بسیاری از ناشران با روستاها ارتباط برقرار کردند و در حال گسترش این فعالیت‌ها هستند و هر محیطی با توجه به وضعیت جغرافیایی و فرهنگی توانست از ظرفیت‌ها الگو بگیرد».

حیدری معتقد است هرچند جشنواره روستاهای دوستدار کتاب تا نقطه مطلوب فاصله دارد، اما این برنامه توانست هم‌افزایی را بین روستاها تقویت کند و توجه مسئولان به امر کتاب‌خوانی افزایش پیدا کند. اما منظور حیدری از نرسیدن به بخشی از هدف‌ها چیست؟ «برنامه ما این بود که در همه روستاهای کشور این امر محقق شود که متأسفانه دو سال است به دلیل شیوع بیماری کرونا و شرایط بد اقتصادی، شرایط خوبی نداشته‌ایم. بخش دیگر موانع، مربوط به آماده‌نبودن زیرساخت‌ها در بعضی روستاها بود. در حدود ۳۰ هزار روستایی که در کشور داریم، تنها حدود ۱۲ هزار روستا زیرساخت‌هایی برای این امر داشتند. در این حوزه، ناهماهنگی‌های زیادی وجود داشت. بحث صنف و انجمن‌های صنفی و تشکلی قوی در شهرستان‌ها و استان‌ها وجود ندارد. بازوی اجرایی ما همین حوزه بوده که با توجه به شرایطی که وجود دارد، تا حدودی تأثیر خود را گذاشته است. به نظر بهتر می‌رسد که دولت در این امور ورود کرده و زیرساخت‌ها را فراهم کند، اما خود روستائینان در انجام این طرح کمک کنند. وضعیت موجود و ناهماهنگی در سازمان‌ها که در برخی شهرستان‌ها وجود دارد، موجب چندگانگی و چندپارگی حوزه سیاست‌های اجرا در حوزه فرهنگ، کتاب و کتاب‌خوانی و... شده است. به‌رحال مرکز ثقل فرهنگی در روستاها نیاز است و امیدواریم این کار ادامه پیدا کند و این مطالبه عمومی اجتماعی و فرهنگی روستایی‌ها همچنان پیگیری شود».

حیدری مسائل اقتصادی و معیشتی در سه سال گذشته را هم در اجرای این طرح مؤثر می‌داند: «درست است که اکنون به کتاب و کتاب‌خوانی به‌عنوان مسئله‌ای لوکس نگاه می‌شود، اما من معتقدم که در دو سال گذشته، مسئله اقتصادی در تمامی کشورها در همه جای دنیا مردم از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دچار بحران شده‌اند و این تأثیر زیادی روی کتاب‌خوانی آن‌ها گذاشته است؛ اما من همچنان معتقدم اگر مسئله فرهنگ حل شود، مسئله اقتصاد نیز تا حدودی برطرف خواهد شد». اما جشنواره روستاهای دوستدار کتاب نکات مثبت زیادی هم داشته است؛ یکی از مواردی که هم روستاییان و هم مسئولان این جشنواره از آن حرف می‌زنند، جلب و جذب زنان و کودکان روستایی به کتاب‌خوانی است. حیدری می‌گوید علاوه بر طرح باشگاه‌های کتاب‌خوانی که یکی دیگر از برنامه‌های ترویجی کتاب‌خوانی بود، جشنواره روستاهای دوستدار کتاب هم برای موضوع تأثیر زیادی گذاشت: «اگر به آمارها نگاه کنید، بیش از ۸۰ درصد مشارکت‌کنندگان از زنان تشکیل می‌دهند. در این مدت زنانی را داشتیم که کتاب‌های زیادی را به مناطق روستایی می‌بردند تا کتاب‌خوانی را ترویج دهند، همچنین شش نفر از

اعضای شورای کتاب خوانی را زنان تشکیل می دهند. نکته جالب این موضوع، فعالیت زنان در حوزه کتاب و کتاب خوانی در سراسر کشور و حتی مناطق محروم است که برخی حاضر به انجام آن نیستند».

حیدری می گوید در این جشنواره، چند هدف اصلی دنبال شد که موفق هم بود: «یکی افزایش زیرساخت ها بود که برای تقویت آن به روستاها کمک کردیم و حتی برای آن ها نویسنده فرستادیم؛ یعنی ارتباط بین بدنه تولیدکننده و مصرف کننده. همین ارتباط دوسویه باعث شده است که خوراک تولیدی جدید برای نویسنده به وجود بیاید؛ مثلاً کارگاه های آموزشی توسعه سرمایه گذاری و... شکل گرفته است. اما اکنون مشکل اساسی ما کار با نهادهاست که نمی توانند به صورت هماهنگ کار کنند. مشارکت، هم افزایی، همدلی و... کارهایی است که حالا برای رسیدن به آن ها تلاش می کنیم».

حیدری معتقد است که برای بزرگ شدن این نوزاد، خاک این کار را خورده و حالا این نوزاد، نوجوان شده است: «حتی اگر مسئولان هم بخواهند جلوی آن را بگیرند، این پدیده مطالبه اجتماعی و فرهنگی مردم است. این توجهی که در این سال ها به روستاییان شده است، امیدواریم که استمرار داشته باشد. خوب است که میراث گذشته نیز منتقل شده و زنده بماند. امیدواریم با کمک دیگر نهادها بتوانیم بخش کتاب خوانی را افزایش داده و تشکل های تشکیل شده را حمایت کنیم تا به بحث اعتلای فرهنگ توجه شود. این جشنواره یکی از کم هزینه ترین برنامه هایی بوده که من بارها آن را اعلام کرده ام. هزینه اجرایی جشنواره به ۱۲۰ میلیون تومان رسیده است و برای جایزه روستاها هم هر سازمان و نهادی که در پروژه همکاری می کنند، ۱۰ میلیون تومان می دهند که حدود ۵-۶ میلیون آن به روستاییان می رسد و از آن بودجه ۱۲۰ میلیون تومانی جداست». به اعتقاد حیدری، دغدغه اصلی همکاران او از همان ابتدای کار، توجه جدی دولت به کتاب و کتاب خوانی است و آن ها این پروژه را انقلابی فکری در حوزه کتاب خوانی می دانند. «من همچنان اعتقاد دارم که اعتبارات این حوزه باید افزایش یابد. اگر دست به دست هم دهیم، می توان از مهاجرت بی رویه جلوگیری و از حاشیه نشینی دوری کنیم. باید اعتبارات اجتماعی در حوزه کتاب و فرهنگ در روستاها افزایش یابد تا به کتاب و کتاب خوانی توجه بیشتری شود».

دیبراین جشنواره می گوید امروز ما حاصل این جشنواره شبکه ای شده از روستاهای دوستدار کتاب که متشکل از روستاهای برگزیده است و دارای شورای هماهنگی ای است که ذیل ستاد هماهنگی شهرها و روستاها فعالیت می کنند و می توانند با هم مرادفات فرهنگی و تبادل نظر و ایده داشته باشند، از طرح های همدیگر الگو بگیرند و به عنوان شبکه ای جریان ساز در کشور مطالبه گر حوزه فرهنگ به ویژه کتاب خوانی در روستا باشند، همچنین به عنوان بازوهای فکری و اجرایی مجموعه دستگاه های دولتی به ویژه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باشند. تشکیل گروه ها و سازمان های مردم نهاد کتاب خوانی در میان زنان و دانش آموزان و اقشار مختلف روستایی، راه اندازی جشنواره ها و مسابقات کتاب خوانی، راه اندازی و تأسیس چندین کتابخانه در روستاها و توزیع هدفمند یارانه ها و همین طور توجه مسئولان روستایی و حتی کلان کشور به مسئله فرهنگ به ویژه کتاب خوانی در روستاها را می توان از جمله دستاوردهای این حوزه دانست.

منابع

برای تهیه گزارش با مسئولان دفتر مطالعات فرهنگی، مانند آقایان علی اصغر سیدآبادی، ابراهیم حیدری و چند نفر از نمایندگان روستاهای برگزیده در جشنواره روستاهای دوستدار کتاب، عبدالحکیم بهار، محسن کمالیان و خانم‌ها زینب ابویسانی، هاجر زارع و فاطمه گل حقیقت گفت‌وگو شده است.

در این گزارش از آمارها و اطلاعات موجود در دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایت شبکه ترویج کتاب‌خوانی استفاده شده است.